



University of Tehran Press

Penological Analysis of Class Discrimination in Sentencing and Administration of the Death Penalty in Drug Offenses (Comparative study)

Sana Kazempour¹ | Mohammad Farajiha² | Mohammad Jafar Habibzadeh³

1. Corresponding Author; Department of Criminal law and criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: sana.kazempour@gmail.com
2. Department of Criminal law and criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: farajihay@modares.ac.ir
3. Department of Criminal law and criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: habibzam@modares.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Received: 2022/09/20</p> <p>Received in revised form: 2023/03/19</p> <p>Accepted: 2023/03/28</p> <p>Published online: 2023/12/22</p>	<p>Sentencing studies in drug offenses show a consistent pattern of the vulnerability of the lower-class offenders and the immunity of the high-class offenders from severe punishments. The current study seeks to answer how the socio-economic status of offenders as an extra-legal factor affects the criminal process of drug offenses eligible death penalty. In this qualitative study, the content of documents, including 74 cases of drug offenses convictions between 2010 and 2020, have been analyzed. In-depth interviews with judicial activists, drug lawyers, Drug Control Headquarters officers, and convicted drug offenders (37 cases) were also used. Our Findings indicate that defendants in criminal prosecution are faced with discriminatory enforcement of Crime detection laws and drug weighing control. Also, Institutional discrimination in the judicial process (the significant differences in performance of Court-Appointed Lawyers and private lawyers), more importantly, Drug-related judicial Corruption and, as a result, charge movement or charge reduction of high-classes offenders (The collection of all these factors) dramatically reduce the probability of prosecuting and convicting high-level traffickers and increase the probability of sentencing low-level drug offenders to the death penalty. In addition, the lack of transparency and discrimination in the clemency process is an opportunity to prevent high-level drug offenders from execution.</p>
<p>Keywords: <i>Death Penalty, Discrimination, Drug Offenses, Judicial Corruption, Socioeconomic Status.</i></p>	
<p>How To Cite</p>	<p>Kazempour, Sana; Farajiha, Mohammad; Habibzadeh, Mohammad Jafar (2023). Penological Analysis of Class Discrimination in Sentencing and Administration of the Death Penalty in Drug Offenses (Comparative study). <i>Comparative Law Review</i>, 14 (2), 965-1000. DOI: https://doi.com/10.22059/JCL.2023.348853.634421</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/JCL.2023.348853.634421</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press</p>





University of Tehran Press

مطالعات حقوق تطبیقی

شاپا الکترونیکی: ۳۴۰۴-۳۴۲۳

دوره: ۱۴، شماره: ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

تحلیل کیفرشناختی تبعیض طبقاتی در تعیین و اجرای کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر؛ مطالعه تطبیقی

ثنا کاظم پور^۱ | محمد فرجیها^۲ | محمدجعفر حبیبزاده^۳

۱. نویسنده مسئول: گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

رایانامه: sana.kazempour@gmail.com

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: farajihay@modares.ac.ir

۳. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: habibzam@modares.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۸</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: اعدام، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تبعیض، جرایم مواد مخدر، فساد قضایی.</p>	<p>پژوهش‌های کیفرشناختی در جرایم مواد مخدر، الگوی ثابتی از آسیب‌پذیری طبقات تهیدست و در عین حال، مصونیت طبقات مرفه از مجازات‌های شدید را نشان می‌دهد. از این رهگذر با بهره‌گیری از تجربه سایر کشورها، پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که پایگاه اجتماعی-اقتصادی بزهکاران چه تأثیری بر روند فرایند کیفری جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام در ایران دارد. در این راستا از روش تحلیل محتوای اسناد و مدارک، از جمله ۷۴ نمونه از پرونده‌های قضایی محکومان مواد مخدر در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ استفاده شده است. همچنین از روش مصاحبه عمیق با کنشگران قضایی و وکلای متخصص، مأموران مبارزه با مواد و محکومان جرایم مواد مخدر (جمعاً ۳۷ مورد) بهره برده شده است. داده‌های حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد اجرای تبعیض آمیز مقررات ناظر بر کشف جرم و توزین مواد مخدر، تبعیض‌های غیرمستقیم ناشی از وضعیت اقتصادی متهم (تفاوت در عملکرد وکلای تعیینی و تسخیری)، وجود فرصت‌های فساد به‌واسطه سود هنگفت قاچاق مواد مخدر و البته تأثیر فساد قضایی بر جابه‌جایی نقش‌ها و تغییر عنوان اتهامی، عواملی هستند که در کاهش احتمال دستگیری، تعقیب و محکومیت قاچاقچیان اصلی و در عین حال، افزایش احتمال محکومیت بزهکاران رده‌پایین به اعدام اثرگذارند. افزون بر اینها، عدم شفافیت و تبعیض آمیز بودن تصمیمات کمیسیون عفو و بخشودگی زمینه‌ای برای رهایی بزهکاران مرفه از اعدام در مرحله اجرای حکم است.</p>
<p>استناد</p> <p>کاظم پور، ثنا؛ فرجیها، محمد؛ حبیبزاده، محمدجعفر (۱۴۰۲). تحلیل کیفرشناختی تبعیض طبقاتی در تعیین و اجرای کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر؛ مطالعه تطبیقی. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۴ (۳)، ۹۶۵-۱۰۰۰.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/JCL.2023.348853.634421</p>	
DOI	10.22059/JCL.2023.348853.634421
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

اعدام، مجازاتی سالب حیات است که رویکرد کشورها در قبال آن یکسان نیست. در کشورهای اروپایی اعدام فی‌نفسه مجازات مغایر با کرامت ذاتی انسان محسوب می‌شود. در نقطهٔ مقابل، جنبش مدرن امریکایی [غالباً] با تکیه بر مشکلات عملی و اجرایی اعدام، از جمله اجرای خودسرانه و تبعیض‌آمیز اعدام، به مخالفت با این مجازات پرداخته است. از منظر این جنبش، مشروعیت اعدام صرفاً به جهت آنکه در عمل نمی‌تواند به صورت منصفانه و کارآمد اجرا شود، محل تردید است.

مطالعات تجربی متعددی نشان می‌دهد اگرچه اعدام برای شدیدترین جرایم بایستی اجرا شود، این متغیرهای فراقانونی هستند که سرنوشت نهایی محکوم را تعیین می‌کنند (Robinson, 2021; Hagan, 2016; Johnson & Johnson, 2001; Bohm, 2016; Donohue, 2016; 1974).

برخی نحوهٔ اجرای حکم اعدام را به برخورد «صاعقه» تشبیه کرده‌اند؛ با این قید که اجرای حکم اعدام به صورت گزینشی است، اما همیشه افراد خاصی از جمله طبقهٔ به‌حاشیه رانده‌شدهٔ جامعه قربانی این صاعقه هستند (Bright, 2014: 678). محکومان به اعدام در امریکا، چین، ایران، اندونزی و... اگرچه شباهت‌های کمی از حیث نژاد، قومیت یا مذهب دارند، اما در یک چیز، یعنی فقیر بودن، مشترک‌اند (Maher, 2017). به نظر می‌رسد چیزی فراتر از «شانس» در گزینش محکومان فقیر برای اعدام دخیل باشد.

پژوهش‌های کیفرشناختی نشان می‌دهد متهمان متعلق به اقشار ضعیف جامعه، به‌طور نامتناسبی قربانی اعدام هستند و کسانی که از نظر مالی قدرت مانور در نظام عدالت کیفری را دارند، اغلب می‌توانند فارغ از بی‌گناهی یا گناهکاری، از اعدام خلاص شوند؛ همچنان که به‌سختی می‌توان بزهار کار ثروتمندی را پیدا کرد که به پای چوبهٔ دار برود (George, 2016: 59; Ungria, & Jose, 2020: 4; Akhtar, 2010, 11).

بسیاری از محققان خاطر نشان کرده‌اند کسانی که کمترین قدرت را در جامعه دارند، مانند اقلیت‌های نژادی و فقرا، غالباً بار سنگین تلاش‌های دولت برای اعمال کنترل اجتماعی را متحمل می‌شوند (Jankovic, 1978; Reiman, & Leighton, 2016). ریچارد کوئینی، از نظریه‌پردازان جرم‌شناسی تضاد (Conflict Theory)، بر این باور است که «تصمیمات قضایی به نحو برابری اتخاذ نمی‌شوند و از عوامل فراقانونی نظیر طبقهٔ اجتماعی مرتکب تأثیر می‌پذیرند». وی نظام قضایی را به دلیل تأثیرپذیری از ملاحظات طبقاتی فراقانونی، ابزاری برای سرکوب طبقهٔ فرودست توصیف می‌کند (Quinney, 1974: 564; qtd. in: Lizotte, 1978: 234). چمبلیس، از دیگر پیش‌گامان نظریهٔ تضاد، ادعان دارد شدیدترین مجازات‌ها برای طبقهٔ پایین‌تر جامعه اعمال می‌شود (Chambliss & Seidman, 1971: 475) و فردی از طبقهٔ فرودست احتمال بیشتری دارد که (۱) مورد بازرسی و تفتیش دقیق قرار گیرد و بنابراین در صورت تخلف مشاهده و دستگیر شود؛ (۲) در صورت محاکمه، مجرم شناخته شود؛ (۳) و اگر مجرم شناخته شد، مجازات شدید دریافت نماید (Chambliss, 1969: 86). در نقطهٔ مقابل، طبقات فرادست از مجازات‌های

شدید مصون هستند. به عبارتی افزایش تعداد اعدام‌ها و محکومیت فرودستان، حکایت از آن دارد که گروه‌های فرادست کمتر در معرض دستگیری، محکومیت یا اجرای مجازات شدیدی چون اعدام قرار دارند (George, 2016: 155). همچنان که داده‌های آماری در برخی کشورها نشان می‌دهد تنها درصد اندکی از محکومان اعدام (زیر یک درصد) به طبقه بالای جامعه تعلق دارند^۱. به همین دلیل کیفرشناسان پس از تبعیض نژادی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی متهم را مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در محکومیت به اعدام می‌دانند و به تبعیض طبقاتی^۲ در این مجازات توجه دارند (Hagan, 1973: 377; Akhtar, 2010: 6). با وجود این، برخلاف تبعیض نژادی که در آن تعصبات آشکار، اقلیت‌های قومی را به پای چوبه دار می‌کشاند، رابطه بین پایگاه اجتماعی و مجازات اعدام بسیار پیچیده‌تر است.

نظام عدالت کیفری یک سازمان بوروکراتیک عظیم و گسترده است که اعضای آن با پیروی از عقلانیت ابزاری مایل‌اند به جای اهداف و هنجارهای رسمی سازمان، سیاست‌ها و فعالیت‌هایی را دنبال کنند که پاداش‌ها را به حداکثر و فشارها را بر سازمان به حداقل برساند. بر این اساس، مجریان قانون سیاست مدارا را در قبال تخلفات اتخاذ نموده، قوانین را به صورت گزینشی تنها زمانی اجرا می‌کنند که نفعی برای سازمان یا خودشان داشته باشد. از این رو، تخلفات طبقات فرادست که توانایی بیشتری برای به‌حداکثر رساندن پاداش‌ها دارند و تعقیب آنها ممکن است فشاری بر نظام عدالت کیفری تحمیل کند، نادیده گرفته می‌شود. درحالی که تخلفات طبقات فرودست که عدم اجرای قانون نسبت به آنها پاداشی برای سازمان ندارد و در عین حال، رسیدگی به تخلفات آنها فشاری برای سازمان ایجاد نمی‌کند- بلکه نمایش قاطعیت و نظم قانونی است- با جدیت بیشتری پیگیری می‌شود (Chambliss & Seidman, 1971: 296- 506)

تأثیرپذیری مجازات از موقعیت اجتماعی مرتکب، اگرچه در جرایم متعددی تصریح شده، اما این تأثیر در جرایم مواد مخدر به مراتب مشهودتر است. همچنان که گفتمان بین‌المللی «جنگ علیه مواد مخدر» که بر اتخاذ مجازات‌های شدید تأکید دارد، به مثابه جنگ علیه طبقات فرودست جامعه تعبیر شده است (Chambliss, 1995: 105; Girelli, 2019:17; Mustafa et al, 2020: 310). در نقطه مقابل، متخلفان طبقات فرادست به عنوان ضد هدف (Anit-Target) در جنگ علیه مواد مخدر تعریف شده‌اند (Mohamed & Fritsvold, 2022: 7).

به‌رغم روند جهانی الغای کیفر اعدام، در برخی کشورهای آسیایی مجازات اعدام به‌طور فزاینده‌ای

۱. نتایج یک پیمایش آماری در فیلیپین نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از محکومان اعدام به طبقات پایین جامعه تعلق دارند؛ درحالی که تنها ۸٫۲ درصد محکومان متعلق به طبقه متوسط و تنها ۸ دهم درصد متعلق به طبقه بالای جامعه هستند. (Ungria & Jose, 2020: 4).

۲. تبعیض طبقاتی، هرگونه کنش از روی پیش‌داوری، تعصب و تبعیض فرد و بر پایه طبقه اجتماعی فرد است. پیامد چنین رویکردی شامل نگرش، رفتار، کنش‌هایی به نفع طبقه بالا و به زیان طبقه پایین‌تر است.

به عنوان عنصر کلیدی استراتژی‌های سرکوبگرانه با هدف مهار قاچاق مواد مخدر به کار گرفته می‌شود. اما ماهیت تبعیض‌آمیز و خودسرانه مجازات اعدام در سیاست‌های سخت‌گیرانه مواد مخدر نیز تجلی می‌یابد (Girelli, 2019: 20)؛ همچنان که بیشتر اعدام‌شدگان در جرایم مواد مخدر عمدتاً افرادی از اقشار محروم جوامع هستند که با پذیرش ریسک بالا و دستمزد اندک، در پایین‌ترین سطح سلسله‌مراتب در قاچاق مواد مخدر قرار دارند (Ungria, & Jose, 2020: 6; Hoyle, 2019: 2).

نظام عدالت کیفری ایران نیز به فراخور زمان، از کیفر اعدام برای بازدارندگی در جرایم مواد مخدر استفاده نموده است؛ لیکن به‌رغم دشمن‌سازی از مجرمان رده‌بالای مواد مخدر و به‌کار بردن برچسب‌هایی چون «سوداگران مرگ»، در عمل خروجی آن، اعدام مرتکبان فقیر و ضعیف جامعه بوده است که هیچ شباهتی به سوداگران مرگ ندارند^۱ (سمایی، ۱۳۹۶؛ حدادزاده، ۱۳۹۷؛ غلاملو ۱۳۹۷؛ اکبری، ۱۳۷۹) و کسانی که بیشترین نفع را از قاچاق مواد مخدر می‌برند (سلاطین مواد مخدر)، کمتر مورد هدف قرار می‌گیرند.

تحلیل محتوای مصاحبه‌های مقامات رسمی نیز مواردی از انتقاد مسئولان مربوطه پیرامون تبعیض‌آمیز بودن مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر را نشان می‌دهد. برای نمونه، سخنگوی وقت کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اظهار داشته است: «چرا آمار اعدامی‌ها را اعلام نمی‌کنید؟ اسم سه قاچاقچی بین‌المللی را بیاورید که اعدام شده باشند»^۲. این نگرش پیرامون تبعیض‌آمیز بودن مجازات اعدام، یکی از دلایل اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر (الحاق ماده ۴۵) تلقی شده است. همچنان که در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده است: «درحالی‌که رویکرد حاکم بر مجازات‌های مقرر در قانون مبارزه با مواد مخدر، علی‌رغم اصلاحات و الحاقات بعدی در سال ۱۳۸۹ کمی و مجازات اعدام در این قانون عموماً متوجه اشخاص حاشیه‌ای و نه سران اصلی بود؛ طرح مورد بحث با هدف کیفی‌سازی مجازات‌های مقرر و توجه مجازات اعدام به سران اصلی جرایم مواد مخدر اعلام وصول گردیده است»^۳.

یافته‌های پژوهش‌های خارجی نیز نشان می‌دهد قاچاقچیان سطح بالا در بیشتر کشورها به ندرت به دست عدالت سپرده می‌شوند. برای نمونه، بر اساس داده‌های آماری در کشوری نظیر کلمبیا، قاچاقچیان

۱. برای مطالعه در خصوص محکومیت طبقات فرودست به اعدام در جرایم مواد مخدر ایران، نک: مهدی سمایی (۱۳۹۶). گوسفند گناه‌خَر: تأملی در مورد اعدام در جرایم مرتبط با مواد مخدر. قابل دسترسی در:

<https://pecritique.com/2017/12/12/>

۲. حسن نوروزی، سخنگوی کمیسیون قضایی بیان کرد: ۵ هزار و ۳۰۰ زندانی در انتظار اعدام. گزارش ایسنا، هفدهم مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:

isna.ir/xcZzNV

۳. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس راجع به «طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر»، ۱۳۹۵، دوره دهم، سال دوم، خرداد ۱۳۹۶ قابل دسترسی در:

https://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/state_popup/1022513?a

رده‌بالا تنها ۲ درصد از جمعیت زندانیان مواد مخدر این کشور را تشکیل می‌دهند (Youngers, 2011: 11). مقصرت‌ترین قاچاقچیان مواد مخدر در ایالات متحده آمریکا، از جمله عرضه‌کنندگان سطح بالا، تنها ۱۰,۹ درصد و سرباندها (رهبران شبکه‌ها) ۱,۱ درصد جمعیت کیفری مواد مخدر را تشکیل می‌دهند (Lerman, 2017: 681). همچنین یافته‌های تجربی در کشور پاکستان نشان می‌دهد که در ۳۰ درصد پرونده‌های مواد مخدر مشمول مجازات اعدام، حداقل یک قاچاقچی ارشد شناسایی شده، اما تنها یک درصد این افراد تعقیب یا محکوم شده‌اند (Girelli, 2019: 15). پژوهشگران بر این باورند سیاست‌های سخت‌گیرانه کیفری در جنگ علیه مواد مخدر نه تنها بازدارنده نیست، بلکه بستر مناسبی را برای گسترش فساد قضایی در راستای مصونیت قاچاقچیان سرشاخه از مجازات‌های شدید و قربانی کردن مجرمان رده‌پایین فراهم می‌سازد (Lai, 2012:6; Kramer, 2021: 3; Goga, 2014:15; Lyman, 2013: 202; GCDP, 2020: 9-20). با این حال، ادبیات کیفری ایران در این زمینه با بن‌بست تجربی مواجه است. بیشتر پژوهش‌های داخلی در مسئله مواد مخدر بر فروشندگان خرده‌فروشی متمرکز شده‌اند که در قبال سود ناچیزی مستقیماً مواد را به مصرف‌کنندگان می‌فروشند. این پژوهش‌ها با وجود یافته‌های ارزشمند، داده‌های معتبری را برای تبیین چگونگی فرار قاچاقچیان مواد مخدر از اعدام ارائه نمی‌کنند. پژوهش حاضر تلاشی است تا الگوهای را که در زنجیره عدالت کیفری (از دستگیری تا اجرا) می‌تواند در نجات طبقات بالا از مجازات اعدام کمک کند و در عین حال، عواملی که زمینه تحمیل مجازات اعدام بر مرتکبان فقیر را فراهم می‌آورد تبیین نموده، با ارائه نگرش‌های اولیه در زمینه خطر فساد و ضعف نظام عدالت کیفری در برخورد با مجرمان مواد مخدر، راهکارهایی را به‌منظور پیشگیری از این نابرابری و فساد ارائه نماید.

۲. روش تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش تحلیل محتوای اسناد و مدارک و مصاحبه عمیق به شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در مطالعه اسناد و مدارک، صرفاً پرونده‌های مواد مخدر مستوجب مجازات اعدام انتخاب شده است. تعداد جامعه نمونه تا مرز اشباع نظری ادامه یافته و داده‌های آن شامل پرونده ۷۴ محکوم در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ است که به‌نوعی در معرض حکم اعدام به اتهام ارتکاب یکی از جرایم مربوط به مواد مخدر قرار داشته‌اند. این داده‌ها از طریق حضور و مطالعه پرونده در واحد اجرای احکام کیفری دادگاه انقلاب اسلامی یکی از استان‌های غربی کشور به دست آمده است. علاوه بر این، محتوای گزارش‌ها و پژوهش‌های بین‌المللی که بازتاب‌دهنده اطلاعاتی در خصوص موضوع پژوهش بوده، مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین، برای تکمیل داده‌های موردنیاز برای پاسخگویی علمی به پرسش‌های تحقیق و کنترل داده‌های جمع‌آوری شده از طریق روش تحلیل اسناد و مدارک، با افرادی که در خصوص پرونده‌های جرایم

مواد مخدر، اطلاعات مناسبی داشته‌اند- شامل وکلای متخصص در حوزه مواد مخدر، کنشگران قضایی، محکومان جرایم مواد مخدر، مأموران مبارزه با مواد مخدر (جمعاً ۳۷ مورد)- مصاحبه عمیق انجام شده است. نگارندگان در این مصاحبه‌ها از به‌کارگیری تکنیک «رای پرس»^۱ به معنای مصاحبه با کسانی که در جریان دادرسی شرکت می‌کنند و در اکثر موارد بلافاصله پس از جلسه در محل دادگاه‌ها حضور دارند- اجتناب نموده‌اند؛ زیرا با توجه به ماهیت حساس موضوع، افراد حاضر در دادگاه صرفاً به تأیید یا رد ادعا اکتفا نموده، به‌هیچ‌وجه پاسخ توضیحی ارائه نمی‌دهند. به‌واسطه آنکه بسیاری از شرکت‌کنندگان پس از خروج از جلسه در دادرسی عموماً تحت تأثیر تعصبات و احساسات حاصل از چگونگی روند جلسه می‌باشند، پاسخ آنها را با اطمینان نمی‌توان عادلانه و مبتنی بر واقعیت دانست؛ لذا سعی گردید با وکلا، محکومان و مأموران در خارج از سازمان‌های مجری قانون مصاحبه انجام پذیرد.

لازم به ذکر است، به‌منظور ارزیابی داده‌های کیفی^۲ پژوهش، علاوه بر ترکیب منبع داده‌ها^۳، از روش بازنگری بیرونی^۴ (بازبینی از سوی برخی مشارکت‌کنندگان، بررسی داده‌ها از سوی سایر پژوهشگران و بهره‌گیری از نظرهای تکمیلی آنان) استفاده شده است.

در ادامه جلوه‌هایی از تبعیض و الگوهایی از فساد در زنجیره عدالت کیفری که می‌تواند بر نجات قاچاقچیان رده‌بالا از اعدام و در عین حال، تحمیل مجازات اعدام بر بزهکاران خرده‌پا مؤثر باشد، تبیین می‌گردد. در این راستا، ابتدا در مرحله تعقیب کیفری اجرای تبعیض‌آمیز مقررات ناظر بر کشف جرم و توزین مواد مخدر، رؤیت‌ناپذیری تصمیمات نظام تعقیب کیفری بررسی خواهد شد و سپس در مرحله دادرسی، تفاوت عملکرد وکلای تسخیری و تعیینی، تغییر عنوان اتهامی و جابه‌جایی نقش‌ها (فساد قضایی) و در مرحله اجرای حکم، عملکرد غیرشفاف کمیسیون عفو بخشودگی تبیین می‌گردد.

۳. اجرای تبعیض‌آمیز مقررات ناظر بر کشف جرم و توزین مواد مخدر

نقطه شروع فرایند کیفری، کشف جرم است که پلیس عهده‌دار آن است. تصمیمات پلیس الگوهایی را تعیین می‌کند که اقدامات رسمی بعدی بر اساس آن نقش می‌بندد؛ از این رو، تصمیمات اتخاذی در مراحل آغازین فرایند عدالت کیفری که از نظارت خارجی مصون است، بیش از هر مرحله دیگر برای بزهکار سرنوشت‌ساز است (Daly & Tonry, 1997: 209; Baker & Hassan, 2021: 3; Starr, 2015: 1).

1. Exit Pole.

این تکنیک برگرفته از روش رای پرس در علوم سیاسی است که به پرسش از رای‌دهندگان در هنگام خروج از شعبه رای‌گیری برای پیش‌بینی نتیجه انتخابات اشاره دارد.

2. Evaluation of qualitative data.

3. Data Source Triangulation.

4. External checks.

در میان طیف وسیعی از فعالیت‌های پلیس، بیشترین تفاوت بین «قانون روی کاغذ» و «قانون در عمل» در تصمیم پلیس برای شروع یا عدم شروع تعقیب مشاهده می‌شود: (Chambliss & Seidman, 1971: 286) و این امر در جرایم مواد مخدر به‌عنوان یک جرم بدون بزه‌دیده به‌مراتب مشهودتر است (Walker et al, 2012: 152). تأکید قانون بر معیار وزنی در تعیین مجازات موجب شده است نیروهای پلیس تلاش خود را بر کشف مواد متمرکز نمایند؛ زیرا فرض بر این است که میزان مواد کشف‌شده، نمایانگر نقش محوری حمل‌کننده است (Ierman, 2017: 681; Sevigny & Caulkins, 2004: 403).^۱ این درحالی است که رؤسای اصلی باندهای مواد مخدر به‌ندرت مواد را شخصاً از مکانی به مکانی دیگر حمل می‌کنند، اما حاملان رده‌پایین غالباً شگرد پیچیده‌ای برای فرار از تعقیب ندارند (حدادزاده، ۱۳۹۷: ۱۶۸). گزارش‌های متعدد نشان می‌دهد که اکثریت دستگیرشدگان حاملانی‌اند که با به‌جان خریدن خطر دستگیری، در قبال دستمزدی اندک، مواد متعلق به افراد رده‌بالا را - گاه حتی بدون اطلاع از جنس محموله - حمل می‌نمایند (عارفی، ۱۳۹۶: ۱۴۰؛ حدادزاده، ۱۳۹۷؛ صادقی، ۱۳۹۶؛ سمایی، ۱۳۹۶: ۱۲؛ Youngers, 2011: 15; Lerman, 2017: 709; Fleetwood, 2017: 363; Engen et al, 1999: 41).

رؤیت‌پذیری بالای جرایم ارتكابی طبقه تهیدست و در عین حال، اتکای نیروهای پلیس بر کشف مواد [کشف‌محوری]، این طبقه را به هدفی آسان‌تر برای اجرای قانون تبدیل نموده است (غلاملو، ۱۳۹۷: ۱۷۱؛ حدادزاده، ۱۳۹۷: ۲۱۹؛ Engen et al, 1999: 41). در این خصوص یکی از وکلا با اشاره به تجربیات خود گفته است: «تو این شهر من آدمایی رو می‌شناسم که اسم و رسم دارن، در سطح کلان هم تو کار توزیع موادن، از همین طریق هم صاحب کارخونه شدن. اما توجهی روی این افراد نیست. اگه به ده تا مأمور مواد مخدر بگن تو این یه هفته باید آمار کشفیات بالا بره. قطعاً از ده تا، ۹ مأمور میره شهرک ... به همین خاطر، اون آقای کارخونه‌داری که بالا شهر زندگی میکنه، شاید همین الان تو خونه اش مواد خرید و فروش میکنه ولی کسی نیست به سراغش بره».

کشف جرم، مرحله اولیه یک فرایند طولانی است. پلیس باید تصمیم بگیرد که آیا پیرامون جرم کشف‌شده گزارش رسمی ارائه کند یا نه. در این تصمیم‌گیری، متخلفان طبقه بالا و متوسط در مقایسه با متخلفان طبقه پایین، بار دیگر در موضعی برتر قرار می‌گیرند و عوامل فراقانونی در راستای فرار آنها از

۱. برای مطالعه در خصوص معیار وزنی در تعیین مجازات جرایم مواد مخدر و ایرادهای وارده بر آن، نک:

- آزاده صادقی، محمد فرجیها، محمدجعفر حبیبزاده و جلیل امیدی (۱۳۹۶). پیامدهای تعیین کیفر در جرائم مواد مخدر بر پایه

کمیت مواد - در نظام تقنینی ایران و ایالات متحده آمریکا. فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۱ (۱)، ۸۱-۱۰۴.

- برای مطالعه در خصوص تأثیر کشف‌محوری بر ادله اثبات جرم و احتمال محکومیت بی‌گناهان، نک:

- غلاملو، جمشید (۱۳۹۷). تحلیل عوامل بی‌عدالتی کیفری در جرایم مواد مخدر. مجله حقوقی دادگستری، ۸۲ (۱۰۳).

تعقیب عمل می‌کنند. یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که وجود فرصت‌های فراوان برای دستیابی مأموران مواد مخدر به سود هنگفت (که تنها ثروت مجرمان طبقه فرادست می‌تواند آن را ایجاد کند)، در کنار آزادی عمل گسترده و رؤیت‌ناپذیری اقدامات پلیسی، زمینه را برای آسیب‌پذیری بیشتر نیروهای پلیس در پرونده‌های مواد مخدر فراهم می‌آورد (Schütte, 2015: 4; Carter, 1990: 92).

قاچاق مواد مخدر یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های فساد و چالشی بزرگ برای کنترل این مواد محسوب می‌شود و این خطر را ایجاد می‌کند که کنشگران عدالت کیفری در قبال منافع خود با قاچاقچیان مواد مخدر همکاری کنند (Reiman, & Leighton, 2016:59; Walker et al, 2012: 152). در این راستا گفته شده، بین فساد، قاچاق مواد مخدر و جنگ علیه مواد مخدر رابطه همزیستی برقرار است (GCDP, 2020: 16). اکثر کارشناسان مواد مخدر اتفاق نظر دارند که شبکه‌های قاچاق مواد مخدر نمی‌توانند بدون فساد دوام بیاورند. به عبارت دیگر، وجود مأمور فاسد عنصر اساسی در رونق اقتصاد مواد مخدر و تسهیل‌گر فعالیت گروه‌های قاچاق مواد مخدر است (Morris, 2012: 30; Lyman, 2013: 30). به تعبیر مدیر اجرایی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد: «بدون وجود فساد و رشوه خواری، هزاران سلاح کوچک نمی‌توانند به مقاصد پرخشونت خود برسند و هزاران کیلو مواد مخدر نیز نمی‌توانند به دست مصرف‌کنندگان برسند». اگرچه در فساد مواد مخدر تعیین اینکه همدستی در اقدامات مجرمانه به صورت فردی از سوی مقاماتی که به دنبال منافع مالی خود هستند یا اینکه نظام‌مند و تحت کنترل کل دولت یا واحد رسمی آن دولت است، دشوار به نظر می‌رسد؛ قدر متیقن آن است که برخی مقامات پلیس در تمام رده‌ها، به بزهکاران مواد مخدر اجازه می‌دهند در ازای دریافت رشوه به تجارت غیرقانونی خود ادامه دهند (Rajin, 2017: 120; Lyman, 2013: 213).

فساد پلیسی به معنی استفاده غیرقانونی از قدرت سازمانی برای منافع شخصی شامل طیف گسترده‌ای از رفتارهای ممنوعه قبل، حین و یا بعد دستگیری است (Carter, 1990: 87). یکی از انواع فساد «قبل از دستگیری»، اجازه ادامه فعالیت به سازمان‌های جرایم سازمان‌یافته یا تأمین امنیت قاچاقچیان در برابر یورش‌های پلیسی (هزینه حفاظتی) است. در واقع، درآمد حاصل از این خدمات اغلب به قدری زیاد است که بزهکاران می‌توانند مبالغ قابل توجهی را به پلیس ارائه دهند تا بدون مانع فعالیت کنند (Girelli, 2019: 9). بر این اساس، سیاست‌های سخت‌گیرانه کیفری در خصوص مواد مخدر فرصت‌های مناسبی را برای ایجاد فساد در سازمان‌های مسئول مبارزه با مواد فراهم آورده است (GCDP, 2020: 42)؛ برای نمونه «در بیش از نیم قرن مبارزه با مواد مخدر، مکزیکی هرگز واحد پلیسی ایجاد نکرده است که با قاچاقچیان در ارتباط نباشد» (Morris, 2012: 32).^۱

۱. طبق گزارش‌های بین‌المللی در دهه ۱۹۹۰، در مکزیکی سازمان‌های جنایی بیش از ۵۰۰ میلیون دلار در سال برای رشوه

نوع رایج‌تری از فساد پلیس «در حین کشف جرم»، اجرای گزینشی قانون در دستگیری متهمان طبقه متوسط است که به‌طور معمول شامل رشوه پرداختی به مأموران رده‌پایین می‌شود. برخورد میان یک افسر پلیس و یک شهروند مظنون به جرم معمولاً شامل یک تصمیم، از جمله عدم اقدام رسمی، صدور اخطار و دستگیری است. در این روند، فروشندگان و حاملان مواد مخدر رده‌متوسط نیز تلاش خود را برای عدم دستگیری به‌کار می‌گیرند و پلیس در ازای دریافت پول، بی‌آنکه گزارشی ثبت کند یا با دست کاری گزارش، آنها را آزاد می‌کند (Paramarta, 2018: 164; Rajin, 2017: 185). بر این اساس، پلیس در برابر جرایم مواد مخدر برخی متخلفان با یک «نابینایی خودخواسته» رفتار می‌کند (Reiman, 2016: 59). برخی پژوهشگران معتقدند که فروشندگان و مجرمان رده‌متوسط در جرایم مواد مخدر اهداف خوبی برای این نوع از فساد پلیس هستند، زیرا احتمال کمتری دارد که پرداخت رشوه خود را گزارش کنند. همچنین فرصت خوبی برای پلیس است تا با نادیده گرفتن تخلفات این مجرمان، پول زیادی به‌دست آورد (Machette & Mofokeng, 2022: 346). این درحالی است که قاچاقچیان رده‌بالا اغلب در این نوع از فساد درگیر نمی‌شوند، بلکه از طریق ارتباط گرفتن با مقامات بالادستی سعی در کنترل اوضاع و عبور ایمن دارند (فساد قبل از دستگیری) (rajin, 2017: 141; Mustafa et al., 2020: 310; Lupsha, 2021: 44).

بازارهای مواد مخدر ایران اگرچه کمتر تحت کنترل شبکه‌های سازمان‌یافته گسترده هستند، از شبکه‌های غیرمنسجم و کوچکی تشکیل یافته‌اند که برای دریافت سود با یکدیگر رقابت می‌کنند (صادقی، ۱۳۹۶: ۸۳). به‌رغم آنکه نظام عدالت کیفری ایران از ارائه آمار مربوط به فساد نهادهای انتظامی خودداری می‌کند و بسیاری از کنشگران کیفری تمایلی به بحث آشکار در این مورد ندارند، باور رایجی وجود دارد که جرایم مواد مخدر به دلیل سهل‌انگاری عمدی پلیس تداوم یافته است. تحلیل محتوای مصاحبه‌های برخی مقامات کشوری طی سال‌های گذشته حکایت از تأیید این نظر دارد. از جمله رئیس‌جمهور وقت در اشاره به اتصال شبکه‌های قاچاق به صاحبان قدرت و نفوذ بیان داشت: «بین ۵۵ تا ۶۰ میلیارد نخ سیگار در ایران مصرف می‌شود که معادل ۲ هزار میلیارد تومان است. این رقم همه»

هزینه کرده‌اند که این رقم دو برابر بودجه دفتر دادستانی کل مکزیک بوده است. این فساد در برخی کشورها نظیر جمهوری گینه بیسائو، افغانستان قبل از حکومت طالبان، پاناما در دهه ۱۹۸۰ عملاً به تسخیر نظام عدالت کیفری [دولت] منتهی شده است. «دولت نارکو» (Narco-state) اصطلاحی است که به چنین کشورهایی داده می‌شود. دلیل این عنوان این است که مواد مخدر به‌قدری در اقتصاد این کشورها جا افتاده است که عملکرد نظام اقتصادی و سیاسی در اختیار تأمین مالی مواد مخدر و اغلب دلالان مواد مخدر قرار دارد و افرادی که قرار است تجارت مواد مخدر را محدود کنند، مشارکت فعالانه در تجارت آن دارند (Goga, 2014: 12; Lyman, 2013: 213).

1. Willful Blindness.

قاچاقچیان درجه یک دنیا را به طمع می‌اندازد، چه رسد به «برادران قاچاقچی خودمان»^۱؛ با این حال، این ادعا از طریق داده‌های تجربی هیچ‌گاه به اثبات نرسیده است.

قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان نیز به وجود فساد در سطوح مختلف بازارهای مواد مخدر اشاره کرده اند. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، اصلی‌ترین موارد فساد مواد مخدر مواردی چون دریافت رشوه از سوی مقامات رده‌پایین پلیس جهت صدور اجازه عبور محموله مواد مخدر، گرفتن پول از مجرمان مواد مخدر در ازای عدم گزارش، تقلیل وزن مواد مخدر کشف‌شده در گزارش پلیس یا مرحله آزمایشگاه (جهت کاهش مجازات مجرم یا فروش مواد مخدر مسروقه)^۲ و ارائه اطلاعات عملیات ستاد مبارزه با مواد مخدر به باندها (نشت اطلاعاتی)^۳ است. یکی از قضات مصاحبه‌شونده پیرامون تقلیل وزن مواد مخدر مکشوفه می‌گوید: «این تفاوت وزنها به بحث فساد مالی برمی‌گردد. ما پرونده‌ای داشتیم که مأمور می‌گفت که چقدر میدی یک گرم بردارم از موادت که مفهوم سی گرم [در زمان اجرای قانون سابق] پیدا نکنه که مستوجب اعدام بشی. اگه نمیدی یک گرم هم اضافه می‌نویسم که صددرصد مشمول اعدام بشی ... الان که به‌موجب ماده ۴۵ وزن مواد دو کیلو شده، چون نیاز به تقلیل وزن بیشتری هست، بحث مالی هم به نظرم بیشتره».

پیرامون اجرای گزینشی قانون، یکی از محکومان مواد مخدر در مصاحبه‌ای گفته است: «می‌تونند دنبالشون برونند؛ ولی پول می‌گیرند. پلیس همه رو میداند که فروشنده است. ولی خرده‌فروش سر خیابون رو می‌گیرند و اصلیها رو نمی‌گیرند» (صادقی، ۱۳۹۶: ۱۴۹). دریافت رشوه موجب می‌شود تا در برخی موارد، مأموران پلیس به بازداشت افرادی انتهایی زنجیره قاچاق مواد مخدر اکتفا کنند. گفتنی است تحلیل مصاحبه‌های مقامات کشوری مواردی از تأثیر سیاسی ناروا بر عملکرد پلیس را نشان می‌دهد. برای نمونه، سخنگوی وقت

۱. محمود احمدی‌نژاد در همایش علمی تخصصی «راهنمای نوین پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، تیر ۱۳۹۰.

قابل دسترسی در: <https://www.entekhab.ir/0007sw>

۲. یافته‌های تجربی سایر کشورها نشان می‌دهد در حدود ۶۵ تا ۷۵ درصد از کل دستگیری‌های مواد مخدر، حداقل بخشی از مواد به‌عنوان مدرک ارائه نشده است (Lyman, 2013: 209).

۳. در خصوص نشت اطلاعاتی، یکی از مأموران مصاحبه‌شونده بیان می‌کند: «... بارها خبری موقت داشتیم که مواد در فلان خانه بالاشهر در حال معامله هست می‌رسیدیم اونجا میدیدیم هیچ اثری نیست. این نشت اطلاعاتی از خود اداره بود. ما بیشترین موارد اخراجمون برای بچه‌های مبارزه با مواده که با باندهای بین‌المللی همکاری داشتند یا از قاچاقچی‌ها رشوه گرفتند ... مأمور فاسد همیشه هست و خواهد بود». همسو با این نظر یکی دیگر از مأموران مبارزه با مواد مخدر می‌گوید: «قاچاقچی اصلی همیشه در سایه هست. شبکه‌های مواد عین سازمان‌های جاسوسی تو ادارات دولتی، آدم استخدام می‌کنند، حتی تو دادگستری و نیروی انتظامی آدم دارند. لازم بشه سر بزنگاه ازشون استفاده می‌کنند. به همین خاطر گرفتار نمی‌شوند. این وسط کی گرفتار میشه؟ آدم ضعیف. اونم اطلاعات زیادی برای شناسایی حلقه‌های اصلی نداره».

کمیسیون حقوقی و قضایی بیان داشته است: «چندی پیش یکی از قاچاقچیان حرفه‌ای با بیش از ۲۰ کیلوگرم تریاک دستگیر شد که در عین تعجب حدود ۳۰۰ نفر از مسئولین برای آزادی وی تماس گرفتند»^۱.

در تحلیل محتوای پرونده‌های مواد مخدر، یافتن مستندات برای تصمیم به «عدم دستگیری» در لحظه ارتکاب جرم به واسطه رشوه تاحدودی دشوار است و صرفاً در صورتی که وعده رشوه از سوی مأموری وظیفه‌شناس رد گردد، در گزارش‌های پلیس منعکس می‌شود. برای نمونه در یک گزارش پلیسی آمده است: «مقارن ساعت ۵،۳۰ صبح یوم جاری به یک دستگاه خودروی ۴۰۵ مشکوک که پس از متوقف نمودن خودروی وی، موبایل وی شروع به زنگ خوردن نمود که در آن ساعت صبح مشکوک بود. وی دارای استرس شدیدی بود و گمان ما این بود که اسکورت بوده که پس از شروع دلالت وی به ایستگاه داخل، شروع به تملق نمود که دارای یک پایپ شیشه هستم اگر شما آن را نادیده بگیرید از خجالتان درخواهم آمد و با پیشنهاد مبلغی سعی در تطمیع داشت که باعث شد شک ما به وی بیشتر شود و با بی‌توجهی به اصرار مداوم وی، خودرو به داخل چاله هدایت و مشخص شد مقدار سه بسته مشکوک به هروئین به طرز ماهرانه در سپر ماشین جاساز شده است. برای تنبیه وی، مبلغ رشوه اخذ و سپس در پرونده ضمیمه شد». در همین راستا وکیل مدافع متهم با توجه به مبلغ کم رشوه و در دفاع از بی‌اطلاعی موکل از وجود مواد در ماشین اظهار می‌دارد: «اصحاب منصب قضا در دادگاه انقلاب به‌خوبی واقف‌اند که معمولاً قاچاقچی‌جماعت، برای رشوه دادن به مأمورین در صورت کشف و دستگیری، به همراه خود حداقل چندین میلیون تومان - مبلغی به مراتب بیشتر از وجه ضبط شده - برمی‌دارند تا در صورت دستگیری، به مأمورین کاشف تحویل دهند و آنها را اغوا نمایند»^۲.

لزوم اعلام نظر کارشناسی (توزین مواد یا درجه خلوصی) یکی دیگر از عوامل مهمی است که در جرایم مواد مخدر بر فرصت فساد در مراحل مقدماتی می‌افزاید. با توجه به اینکه در بیشتر کشورهای دارای

۱. سخنگوی وقت کمیسیون حقوقی و قضایی همچنین بیان داشته است: «در قانون قبلی شخصی که به واسطه قاچاق مواد مخدر پول و قدرت به‌دست آورده بوده با حمل بیش از دو تن می‌توانست آزاد شود اما یک جوان بی‌کس ممکن بود با چند گرم ماده صنعتی در میدان شوش اعدام شود». روزنامه تابناک، شهریور ۱۳۹۸. قابل دسترسی: tabnak.ir/003rHi

۲. لازم به توضیح است فساد پلیس صرفاً به دریافت رشوه در قبال اقدامات منتهی به عدم تعقیب محدود نمی‌شود. گروه‌های قاچاق مواد مخدر علاوه بر خنثی کردن اجرای قانون، از فساد برای به‌کارگیری مقامات دولتی به‌عنوان متحد خود در حذف «گروه‌های رقیب» در تولید و توزیع مواد مخدر استفاده می‌کنند. با درگیر شدن در این نوع فساد، کنشگران عدالت کیفری از «عدم رعایت ساده» به شکلی از «تبعیت هدفمند» عبور می‌کنند. ارائه اطلاعات مهم سایر قاچاقچیان به پلیس و تعقیب آنها ضمن تسهیل فعالیت گروه قاچاقچی با حذف گروه رقیب، برای پلیس اعتبار، تمجید و ترفیع و برای نظام عدالت کیفری، آماری برای نمایش قاطعیت در برخورد با جرایم مواد مخدر به‌ارمغان می‌آورد (Lupsha, 2021: 47).

سیاست‌های سخت‌گیرانه، مجازات‌های مواد مخدر از معیار وزنی پیروی می‌کند، نظر کارشناسی پیرامون نوع و وزن مواد مخدر از اهمیت فراوانی در سرنوشت متهم برخوردار است (Buromenskiy, 2009: 60). در ایران، بر اساس ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر، دادگاه در صورت لزوم قبل از صدور حکم، نظر آزمایشگاه را در خصوص نوع مواد مخدر أخذ می‌نماید. تحلیل محتوای پرونده های مواد مخدر نشان می‌دهد که در عمل نیز در گزارش اولیه پلیس صرفاً نوع مواد مخدر مشکوک ذکر می‌شود و جنس و وزن مواد را آزمایشگاه جنایی اعلام می‌کند. برای نمونه در پرونده‌ای مشاهده می‌شود که در طی عملیات پلیسی، مقدار چهار بسته مشکوک به مرفین کشف و تحویل انبار پلیس داده شده است. به‌رغم آنکه در جلسه بازپرسی متهم با عنوان حمل و نگهداری ۴ کیلو و ۲۰۰ گرم مرفین تفهیم اتهام شده، در نهایت در کیفرخواست برحسب گزارش توزین، وزن و نوع مواد ۳/۹۸۰ کیلو تریاک و یک کیلو و ۲۰۰ گرم مرفین اعلام شده است که در مجازات قانونی متهم نیز تغییر ایجاد می‌کند و همین امر از اهمیت نظر کارشناس در پرونده‌های مواد مخدر حکایت دارد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (سرهنگ نیروی انتظامی) در خصوص فرصت‌های فساد در این مرحله، بیان می‌کند: «البته در زمینه کارشناسی و آزمایشگاه یه سری مشکلات هست. چه آزمایشگاه‌های نیروی انتظامی چه بقیه آزمایشگاه‌ها، واقعیت اینه فساد عملاً توش زیاده ... کارشناس‌ها، هم در توصیف مواد [جنس مواد] و هم در وزن مواد مخدر، میتونند دخل و تصرف کنند. با این دست‌کاری‌ها، پرونده‌ای که مأموران براش زحمت کشیدن، خیلی راحت هیچ و پوچ میشه». یکی از وکلای مصاحبه‌شونده بیان می‌دارد: «اختیار کارشناس توزین در حدی است که بخواد میتونه سرنوشت پرونده رو عوض کنه. اگه متهم کسی رو بشناسه که جواب سلامشو بگیره، پرونده مواد خشکم میبینی مجدد توزین فرستادن. اما اونی که فقیره و کسی رو نداره که تو پرونده‌اش مانور بده، حتی هروئین مرطوب رو هم میبینی به توزین فرستادن». در تقویت این ادعا، تحلیل محتوای پرونده‌ها نشان می‌دهد که در پرونده محکومان طبقه پایین، این توزین به صورت سهل‌گیرانه انجام می‌یابد. برای نمونه در پرونده مردی ۳۹ ساله، کارگر و متأهل، متهم به نگهداری یک کیلو و ۶۸۹ گرم هروئین مرطوب، مشاهده می‌شود در گزارش اولیه پلیس بیان شده است که به‌واسطه مرطوب بودن مواد به توزین مجدد نیاز دارد، اما صرفاً دو گرم از مواد جهت بررسی مجدد به آزمایشگاه جنایی ناجا ارسال گردید و کارشناس مربوط بیان داشت: «هر دو نمونه ارسالی حاوی هروئین + است». حکم اعدام این محکوم در زمان قانون سابق به‌اجرا گذاشته شد، درحالی که در اوراق پرونده هیچ اثری از توزین مجدد که می‌توانست وزن مواد را به میزان قابل‌توجهی کاهش دهد، مشاهده نشد.

یافته‌های کیفرشناختی نشان می‌دهد که سطح نسبتاً بالایی از اقدامات فسادآمیز کارشناسان با مشارکت مقامات تعقیب است که حجم قابل‌توجهی از قدرت کنترلی در پرونده‌ها را دارند (Buromenskiy et al, 2009: 55). این نوع از فساد جایگاه ویژه‌ای در پرونده‌های مواد مخدر دارد؛

چراکه در صورت کشف «اشتباه در توزین»، مقام تعقیب برخلاف کارشناس، در «نتیجه‌گیری عمدی اشتباه» مسئولیت کیفری ندارد و از این حیث با خطر کمتری مواجه است.

۴. مصون بودن تصمیمات نظام تعقیب کیفری از نظارت بیرونی

مطالعات تجربی تأکید دارند که اگر فساد طبق تعریف، سوءاستفاده از قدرت عمومی واگذار شده برای منافع خصوصی باشد، مجرمان حتی می‌توانند سوءاستفاده از قدرت را در «دادسرا» تثبیت کنند و با مدارا مواجه شوند (Houqe et al, 2020: 16). دادستان‌ها از اختیارات قابل توجهی در تشکیل پرونده، رد پرونده و کاهش عنوان اتهامی برخوردارند که همین امر می‌تواند فرصت‌هایی را برای سوء رفتار یا پنهان کردن فساد فراهم کند. این کنشگران به‌خوبی واقف‌اند که خطر کشف تخلفات آنها کم است و در صورت کشف، بعید است که مجازات جدی داشته باشند (سازمان شفافیت بین‌الملل، ۲۰۰۷: ۶۵). این آزادی دادستان که به‌حق، به‌عنوان یکی از خطرناک‌ترین ابزارهای نظام حقوقی توصیف می‌شود، آن‌چنان نقش پررنگ و برجسته‌ای دارد که از دادستان به‌عنوان «دروازه‌بان اعدام» یاد می‌شود.^۲

دادستان ممکن است به‌واسطه رشوه، وعده ترفیع، تهدید یا فشار سیاسی در روند تعقیب مداخله داشته، اتهامی را انتخاب کند که جرم ارتكابی متهم را کمتر از حد قانونی بازتاب دهد یا ممکن است برخی شواهد را پنهان کند یا اعتبار آن را زیر سؤال ببرد و یا دفاعیات متهم را به شکل مؤثر به چالش نکشد. به‌تبع آن، مظنونان می‌توانند فرار کنند، اتهامات مستوجب مجازات اعدام را دور بزنند یا شاهدان را برای ادای شهادت بترسانند تا شهادت را پس بگیرند. برعکس، خرده‌فروشان که فاقد پشتوانه کافی هستند، ممکن است در بازداشت موقت به مدت طولانی نگه داشته شوند یا با اتهاماتی شدیدتر از رفتار مجرمانه ارتكابی مواجه شوند (Baker & Hassan, 2021: 3 Schütte, 2015: 18, 20).

یافته‌های کیفرشناختی در کشورهای غربی نشان می‌دهد که «پنهان کردن شواهد» یا «آزین بردن عمدی ادله» رایج‌ترین شکل سوء رفتار مقامات تعقیب است و احتمال زیاد وجود دارد که همین امر در مورد فساد نیز صادق باشد. به‌طور مشابه، مطالعات در نیجریه و ونزوئلا نشان داده که فساد معمولاً شامل دست‌کاری شواهد از سوی دادستان‌ها می‌شود که اغلب در هماهنگی با بازپرس تحقیق است (Schütte, 2015: 20). این سوء رفتارها در جرایم مواد مخدر می‌تواند به بستن پرونده قاچاقچیان رده‌بالا به‌واسطه عدم کفایت ادله بینجامد.

1. See: Hall, A. (2017). Using legal ethics to improve implicit bias in prosecutorial discretion. *J. Legal Prof.*, 42, 111.

۲. برای مطالعه در خصوص نقش دادستان‌ها در پرونده‌های اعدام، نک:

Lovre-Laughlin, N. (2005). Lethal Decisions: Examining the Role of Prosecutorial Discretion in Capital Cases in South Dakota and the Federal Justice System. *SDL Rev.*, 50, 550.

جلوه‌هایی از عدم تعقیب قاچاقچیان سرشاخه در تحلیل پرونده‌های مواد مخدر ایران مشاهده می‌شود. برای نمونه در یکی از پرونده‌های مورد مطالعه، یگان کاشف از شناسایی باند قاچاق مواد مخدر خبر داد که مواد را از شرق به غرب کشور منتقل می‌کرد و فردی به نام م.ش از عوامل آن معرفی شده است. لیکن در مرحله تعقیب صرفاً حامل مواد (متهم به حمل ۱۰۰ کیلوگرم مرفین) مورد بازجویی قرار می‌گیرد و به‌رغم اشاره مکرر متهم به سایر اسامی پرونده به‌عنوان جاسازی‌کننده و خریدار مواد، بدون وجود اسنادی از تحقیق یا دستور تعقیب این افراد در پرونده، برای یکی از آنها به‌واسطه عدم کفایت ادله، قرار منع تعقیب صادر می‌شود. وکیل متهم در واکنش به عدم تعقیب مالک اصلی مواد بیان می‌دارد: «به‌موجب گزارشات وزارت اطلاعات، باند دارای عناصر زیاد و قدرتمند بوده که مشخصات دقیق آنان در گزارش یگان کاشف منعکس شده و اقلام مکشوفه قریب به صد کیلوگرم بوده، آنچه قابل تأمل است که موکل نگون‌بخت فقط قرار بود که خودروی سواری که در تحویل عوامل بوده، تحویل گرفته و به‌طرف مرز حرکت کند که قبل سوار شدن دستگیر شده است. مدارک عدیده‌ای از جمله مکالمات صورت‌گرفته فی‌مابین استفاده‌کنندگان از تلفن‌های همراه حاکی از آن است که افراد دیگری نیز در پرونده مطرح بوده که هیچ‌یک مورد تحقیق قرار نگرفته است. از بررسی وضعیت اقتصادی موکل به‌خوبی روشن است که ارزش کالای مرقوم مکشوفه بسیار بالا بوده است و خارج از توان مالی وی و حتی قبیله اوست ... حال آنکه محموله به قصد ترانزیت و عبور از مرزهای غربی کشور به‌قصد کشورهای اروپایی بوده که یقیناً عوامل دیگری هم دخیل بوده‌اند. بازپرس به‌جای دستگیری و تعقیب آسان عوامل اصلی، به دستگیری یک جوان بی‌بضاعت اکتفا کرده است...». در واکنش به این دفاعیات اگرچه تلاش‌هایی به‌منظور جلب سایر متهمان صورت گرفت، اما شعبه بازپرسی مربوطه اعلام نمود پرونده متهم م. ش گم شده است. درنهایت پس از نامه‌نگاری متعدد شعبه بازپرسی اعلام کرد اساساً پرونده‌ای در این زمینه وجود نداشته است. اسناد و مدارک این پرونده اگرچه نشان می‌دهد که حکم اعدام حامل مواد اجرا شده است، از سرنوشت سایر متهمان پرونده اطلاعاتی موجود نیست.

در هر حال، تصمیم به عدم تعقیب کیفری عموماً از نظارت خارجی مصون است و مرحله تعقیب دادستانی به «منطقه خاکستری» فرایند کیفری تعبیر می‌شود (Buromenskiy et al, 2009: 60). پیرو این امر، مطالعات سیستماتیک فساد در دادسراها (به‌ویژه در جرایم مواد مخدر) نادر یا حداقل دشوار است و بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته بر فساد در مرحله پلیسی یا دادرسی تمرکز دارد. بنابراین، اطلاعات کمی برای ارزیابی دامنه و روند فساد در مرحله دادستانی وجود دارد.^۱

۱. به‌طور مشابه، پرونده‌های موجود در واحدهای اجرای احکام کیفری ایران غالباً حاوی اسناد ارائه‌شده در پرونده‌هایی است که به مرحله دادگاه رسیده‌اند و شامل اطلاعات پرونده‌هایی که در مرحله تعقیب مختومه شده‌اند، نمی‌شود. لذا دسترسی

۵. ناکارآمدی کیفیت دفاع وکلای تسخیری

تعقیب با محکومیت ملازمه‌ای ندارد و کم نیستند بزه‌کارانی که به‌رغم صدور کیفرخواست از مجازات اعدام مصون می‌مانند. بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها، نابرابری در مجازات‌ها را در قالب تبعیض غیرمستقیم ناشی از وضعیت اقتصادی فرد و تفاوت در «کیفیت دفاعیات» ارائه شده از سوی وکلای تسخیری و تعیینی می‌دانند.^۱ در این راستا، همبستگی کیفیت وکالت با کیفیت اجرای عدالت در ادبیات کیفرشناسی آن‌چنان بدیهی تلقی شده است که گفته می‌شود: «کیفیت دفاعیات ارائه شده - و نه وقایع پرونده - است که موردی را که مجازات اعدام در آن تعیین می‌شود، از بسیاری از پرونده‌های مشابه که در آن حکم اعدام جاری نمی‌شود، متمایز می‌سازد» (Goldfarb, 2016: 143). اکثر وکلای تسخیری که برای متهمان اعدام تعیین می‌شوند، فاقد فرصت کافی و مهارت هستند و یا تمایل لازم برای دفاع مناسب از موکل را ندارند. داده‌های تجربی نیز نشان می‌دهد متهمانی که دارای وکیل تسخیری هستند، نسبت به متهمانی که از وکیل تعیینی بهره می‌برند احتمال بیشتری دارد که به اعدام محکوم شوند و متهمان دارای وکیل تعیینی در جرایم مواد مخدر به احتمال بیشتری تبریئه یا مشمول مجازات‌های خفیف می‌شوند (Kramer et al, 2017: 13; Tilley, 2014: 39; Anderson & Heaton, 2012: 157; Unnever, 1982: 220). یافته‌ها این ایده را تأیید می‌کنند که در جرایم مواد مخدر، وکلای تعیینی اولاً توضیحات بهتری را در مورد وضعیت روند قضایی به موکلان خود ارائه می‌دهند. دوم اینکه مدارک بیشتری در اختیار دادگاه می‌گذارند. سوم، از بیگناهی موکل خود دفاع می‌کنند. چهارم، در صورت قوی بودن دلایل جرم، با دفاع مناسب خود موجب صدور مجازات به مراتب کمتری از مجازات قانونی برای موکل می‌شوند (Meneses, 2018: 11). در مقابل، یافته‌های یک پژوهش کیفی در ایران پیرامون عملکرد وکلای تسخیری در پرونده‌های مواد مخدر نشان می‌دهد که وکلای تسخیری در بیشتر موارد با پذیرش اصل اتهام به‌واسطه اقرار موکل و حضور تشریقاتی در جلسه رسیدگی، در خوش‌بینانه‌ترین حالت صرفاً در پی جلب نظر قضات برای اعمال نهادهای ارفاقی هستند (عارفی و همکاران، ۱۳۹۷). از این رو، طبقات به‌حاشیه رانده شده گروه‌هایی هستند که ضعیف بودنشان باعث می‌شود به مجازات اعدامی

کامل به این پرونده‌ها نیز در طی این پژوهش مقدور نبود.

۱. بسیاری از متهمانی که به اعدام محکوم شده و حکمشان اجرا می‌شود، به این دلیل نیست که مرتکب شدیدترین جرم شده‌اند، بلکه صرفاً به دلیل بدشانسی‌شان است که وکیل ناکارآمدی برای آنها تعیین شده است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، نک: See: Bright, 1993; bright, 2014: 4; Bright & Sanneh, 2013: 2152; Bright, 2002: 6-7; Skolnick, 1967:65-69; Mimms, 2018: 26; Vick, 1995: 356; Anderson & Heaton, 2012: 159; Beck & Shumsky, 1997: 527; Ladikos, 1994: 287; Akhtar, 2010: 8; Amnesty International, 2015: 32; عارفی، ۱۳۹۶: ۱۸۷; Tilley, 2014: 26.

محکوم شوند که بزهکاران مرفه با شیوه دفاعیات بهتر - ولو به همان اندازه مقصر - می‌توانند از آن فرار کنند (Kalmanson, 2019: 6).

تحلیل محتوای پرونده‌های مواد مخدر نیز نشان می‌دهد بسیاری وکلای تسخیری با تحقیر موکل و بیان زندگی‌نامه وی در صدد اخذ تخفیف هستند. برای نمونه در پرونده‌ای، وکیل تسخیری در مقام دفاع بیان داشت: «موکل حمالی بیش نبوده و برای وعده دریافت ۲۰۰ هزار تومان وجه اغفال شده است. تحقیقات مربوطه به اموال نشان می‌دهد که متهم کارگر کوره آجرپزی است که در زیر آسمان کبود حتی یک ستاره هم ندارد. او حتی یک دوچرخه ناقابل نیز ندارد و در منزل پدری زندگی می‌کند که وضعیت آنان اسفناک است و شاید هزینه پفک‌نمکی فرزند قاچاقچی واقعی، بیش از دستمزد وی باشد...». نکته درخور توجه آنکه درحالی که قاضی این پرونده با توجه به وضعیت نامطلوب مادی متهم و در راستای حفظ حق حیات متهم تلاش بسیار داشت و در پی درخواست درجه خلوص مواد به‌عنوان گریزگاهی از اعدام بود، آزمایشگاه ناجا به‌واسطه عدم درخواست درجه خلوصی از سوی متهم یا وکیل وی، از قبول درخواست اجتناب نمود. در چنین شرایطی که تمامی مکاتبات مرجع قضایی و پلیس پیرامون اختلاف در درجه خلوص در پرونده موجود است، وکیل تسخیری حتی درخواستی برای درجه خلوص ارائه نکرد.

به‌نظر می‌رسد بی‌اعتنایی به بزهکاران فقیر، بخشی از فرهنگ سازمانی شده است (Bright, 2014: 687)؛ گویی محکومانی که توان دفاع از خود را ندارند «مستحق» اعدام‌اند. اغراق نیست اگر گفته شود برخی قضات نیز از وکلای ناکارآمد تسخیری که اغلب به‌عنوان «مهره دادستانی»^۱ عمل می‌کنند، استقبال می‌نمایند؛ زیرا در سیستمی که «آمارگرایی» حاکم است، دفاعیات شفاهی و سرسری به آنها اجازه می‌دهد پرونده‌ها را به‌سرعت رسیدگی کنند. در چنین وضعی حکم اعدام اغلب یک نتیجه قطعی برای محکومان بی‌بضاعت است.

۶. تأثیر فساد قضایی بر جابه‌جایی نقش‌ها و تعیین عنوان اتهامی

این تصور که تفاوت در کیفرهای تعیین‌شده برای بزهکاران جرایم مواد مخدر، تنها به دلیل «مهارت حرف زدن» وکلای تعیینی می‌باشد، همان اندازه ساده‌انگارانه است که ادعا کنیم این عامل هیچ تأثیری

۱. در یکی از پرونده‌های مورد مطالعه مشاهده می‌شود که وکیل بر اثبات جرم موکل تأکید زیادی داشت؛ به این شرح که «به‌نظر عمل را موکل انجام داده و جرم بزرگی بوده است و مجازات سنگینی هم دارد اما ناشی از فقر موکل است. به طور کلی فقر و بدبختی و نیاز شدید مالی عقل و شعور موکل را از کار انداخته بدون اینکه با قصد کاری را انجام دهد، مرتکب کار خطرناکی شده و بدون فکر کردن به عواقب مصیبت بار آن آلت دست قاچاقچیان بوده است، لذا با توجه به مراتب مذکور از آن دادگاه محترم تقاضا دارد وضعیت خانوادگی و بیچارگی موکل را در نظر گرفته و ارفاق قانونی را در حق ایشان مبذول دارد».

بر شدت مجازات ندارد. باید اذعان داشت فراتر از «کیفیت دفاعیات»، اقدامات فرافانونی بازیگران عدالت کیفری نقش مهمی در نتایج پرونده‌های مواد مخدر ایفا می‌کند. در تأیید این ادعا، دادرسی کیفری یکی از فاسدترین حوزه‌های اداری شناخته می‌شود. مطالعات داخلی نیز با استفاده از شاخص ادراک عمومی نشان می‌دهد دستگاه قضایی یکی از سازمان‌هایی است که بیشترین میزان فساد اداری در ایران را داراست (بهشتی و خانمحمدی، ۱۳۹۹: ۶۲).

فساد قضایی می‌تواند شامل هرگونه اثر نامطلوب بر روند بی‌طرفانه قضایی باشد (سازمان شفافیت بین‌الملل، ۲۰۰۷). پژوهشگران معتقدند فساد در پرونده‌های کیفری به مراتب بیشتر از دعوی مدنی است، چراکه متهمان با ریسک بالاتری روبرو هستند (Adisa & Alabi, 2021: 155; Pahis, 2009:1925). همچنین با افزایش تهدید مجازات (و شدت آن)، خطر فساد نیز افزایش می‌یابد (Schütte et al, 2015: 4; IBA, 2016: 32). لذا شدت مجازات از سوی کنشگران قضایی نه تنها برای اجرای قانون، بلکه در راستای به دست آوردن منافع شخصی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

بر اساس یافته‌های تجربی، جرایم مواد مخدر در حوزه بیشترین جرایم مشمول فساد قضایی است. به نظر می‌رسد سود کلان تجارت مواد مخدر در مقایسه با حقوق کم قضات، و از سویی وجود مجازات‌های شدید چون اعدام در این جرایم، زمینه‌های برای ترغیب کنشگران قضایی برای دریافت رشوه باشد (Singh, 2015: 240). در این راستا یکی از وکلای مصاحبه‌شونده می‌گوید: «من به صراحت می‌گویم اون قاچاقچی که پولشو داره به اون مجازاتی که شایسته‌اش هست محکوم نمیشه. تو وضعیت فعلی، فقط شاخ و برگ رو حذف می‌کنیم، بهتره بگم هرس می‌کنیم. این شاخه‌ها دوباره جوانه می‌زنن، این جووری ریشه روزبه‌روز قوی‌تر میشه و بیشتر رشد می‌کنه». یکی دیگر از وکلای مصاحبه‌شونده با این باور که در پرونده‌هایی که نام و نشان دارند، مسائل مالی هم دخیل است می‌گوید: «بده‌بستان تو دادگاه‌های مواد مخدر زیاده. شما یه نیم نگاهی به پرونده‌های سنگین مواد بندازی، بوی فساد از لای اوراقش میپیچه. من آدمایی رو می‌شناسم که طناب دار رو هم از گردن محکوم می‌تونند باز کنند». وکیل دیگری بیان می‌کند: «ظرفیت تبعیض تو مرحله دادرسی به شدت زیاده... قاضی در اختیار متهم بانفوذ هست و خیلی راحت از کیفرخواست عدول میشه. میبینی اونی که حبس سنگین باید بخوره با چند سال حبس آزاد شده». همسو با این نظر، یکی از کارمندان واحد اجرای احکام انقلاب می‌گوید: «به عینه دیدم تو همین دادگاه اونی که پارتی و آشنا داره تونسته برائت بگیره اما اون آدمای بدبخت که کسی رو ندارند، اعدامشون اجرا شده...».

۱. نتایج یک نظرسنجی در دادگاه‌های نیجریه نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگانی که تجربه دعوی کیفری داشتند، سه برابر بیشتر از کسانی که از دادگاه برای امور مدنی استفاده می‌کنند، احتمال پرداخت رشوه دارند. همسو با این یافته‌ها که اکثر قضاتی که برای ارتشا دستگیر می‌شوند، کسانی بودند که به پرونده‌های کیفری رسیدگی می‌کردند (Adisa & Alabi 2021: 146-155).

همگام با این مصاحبه‌ها، می‌توان به اظهارات دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر دولت دوم اشاره داشت: «یک گلایه‌ای هم که دوستان دستگاه‌های امنیتی، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات داشتند، فساد و زدوبند در دستگاه قضا بود. قاطع نبودن در سیستم قضایی باعث شده بود که خیلی از مواقع رشادت‌های نیروهای نظامی و امنیتی ما اثربخش نشود... متأسفانه قاضی فاسد، [کارکنان] اداری فاسد، وکیل فاسد همواره بوده و خواهند بود...»^۱.

انحراف عدالت می‌تواند طیف وسیعی از بازیگران از جمله قضات و کارکنان دستگاه قضایی، وکلا، متهمان و خانواده آنان را دربر داشته باشد (Adisa & Alabi, 2021: 148). یافته‌های برخی از مطالعات نشان می‌دهد وکلای دادگستری نقش ویژه‌ای در ایجاد فساد در دادرسی کیفری دارند و به‌عنوان یک قاعده، آنها نقش میانجی را در روابط فسادآمیز در مراحل دادرسی کیفری ایفا می‌کنند (Wu, 2021: 7; Buromenskiy et al, 2009: 124). در پرونده‌های مواد مخدر نیز متهمان به‌دنبال وکلایی هستند که منابعی برای تیبانی با قضات داشته باشند. در این راستا یکی از محکومان زندانی می‌گوید: «خیلی از زندانیان مواد، دنبال وکیل باسواد نیستن، دنبال اینن کدوم وکیل با قاضی سلام علیک داره، رابطه داره، می‌تونه صحبت کنه. شما رئیس کانون وکلا هم بگیری، بهترین لایحه‌ام بنویسه، وقتی آشنا نباشه با قاضی، هیچ فایده‌ای نداره...». محکوم دیگری با سابقه محکومیت به اعدام (در حال حاضر بیست و پنج سال حبس)، با اعتقاد به اینکه بیشتر از دفاعیات وکلا، روابط آنان با قضات اهمیت دارد، می‌گوید: «وکیلی که پول میدیم نمیتونه کاری برامون کنه، چه برسه وکیل تسخیری... تو این پرونده‌ها که من دیدم وکیل رابطه‌ای باشه میتونه برات کاری کنه. بعضی قاضی‌ها، واسطه‌ای کار میکنن، برا خودشون کارچاق کن دارن که اگه اونا رو پیدا کنی شاید بی‌تأثیر نباشه»^۲. صرف‌نظر از اینکه این اظهارات تا چه اندازه منطبق با واقعیت است، نشان‌دهنده شیوع باورها و تفکراتی از فساد دستگاه قضا در کیفردهی جرایم مواد مخدر است.

همچنین بیشتر مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند برخی از وکلای به‌ظاهر «موفق» در پرونده‌های مواد مخدر، نقش واسطه را بین متهم و قاضی برای انتقال رشوه ایفا می‌کنند. برای نمونه یکی از وکلای

۱. یکی از مأموران رده‌بالای نیروی انتظامی در این خصوص می‌گوید: «واقعیت این [است] اگر مرجع قضایی با قاچاقچی که مأموران گرفتن، برخورد شایسته نکنه، قاچاقچی جرئتر میشه... طبیعیه فساد هم بیشتر میشه. پرونده داشتیم با کلی تدابیر قاچاقچی رو گرفتیم، تحویل دستگاه قضا دادیم. چند ماه بعد همون آدمو با ۴۰۰ قبضه سلاح و چند کیلو مواد دوباره گرفتیمش. این آدم چرا باید آزاد بشن؟...».

۲. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان (قاضی بازنشسته مشغول وکالت) می‌گوید: «هرکس برا مواد مخدر میاد خودش یا خانواده‌اش چون شناخت دارن که من قبلاً قاضی بودم احساس می‌کنم میتونم ارتباط داشته باشم. به‌صراحت میگن ما دستمون بازه هر خرجی لازم باشه میکنیم. من قبول نمیکنم چون به علم و قلمم متکی هستم».

مصاحبه‌شونده بیان می‌کند: «تو همین ساختمان آدمایی هستن [اشاره غیرمستقیم به وکیل سرشناس مستقر در همان ساختمان اداری] که اسم خودشون رو گذاشتند وکیل، فقط هم مواد مخدر کار می‌کنند. اینا یه مشت دلالت تا وکیل. دلالتی، سواد حقوقی نمی‌خواد، روابط خوب می‌خواد».

جلوه‌هایی از پرداخت رشوه کلان به کنشگران قضایی به‌طور مکرر در متن مصاحبه‌ها مشاهده می‌شود. برای نمونه یکی از وکلای مصاحبه‌شونده می‌گوید: «وکیل داریم سالی حداقل ۵۰ میلیارد درآمد داره، پول میده به قاضی و با پول دلالتی مواد مخدر، تو ساخت‌وساز سرمایه‌گذاری می‌کنه. در پرونده‌ای که من سی میلیون براش گرفتم، کلی زحمت کشیدم، هنوز یک سال هم باید وقت صرف کنم؛ وکیل دیگه ۳ میلیارد و صد میلیون گرفته با دلالتی موکلشو تبرئه کرده. درحالی که اصل کاری همون موکل این آقا بود».

تحلیل محتوای برخی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که در نظر وکلا و کنشگرانی که تحمیل مجازات اعدام را برای جرایم مواد مخدر ناروا می‌دانند، تمسک به گریزگاه‌های فراقانونی از جمله رشوه، نه به صورت «شرم‌آور» بلکه به‌عنوان روشی برای «نجات» جان انسانی از اعدام توجیه می‌شود. همچنان‌که یکی از وکلای مصاحبه‌شونده بیان می‌کند: «بعضی شبها قبل خواب به این موضوع فکر می‌کنم که مسیری که انتخاب کردم درسته یا نه. ولی وقتی میبینم که جون یه آدم رو از اعدام نجات میدم، وجدانم کاملاً راحت» وکیل دیگری بیان می‌کند: «اکثر وکلای تعیینی که معروف به فعالیت در محاکم انقلاب هستند، نحوه دفاع آنان مطمح نظر موکل یا خانواده آنان نبوده، بلکه نتیجه مهم است. وکلای تعیینی هم با علم به این مهم سعی در پیشبرد امورات بر اساس روابط و حفظ حق حیات محکوم دارند».

همسو با این نظرها، برخی مصاحبه‌شوندگان با شکایت از عدم قرائت لوایح در دادگاه‌های انقلاب، بیان داشتند: «آرای محاکم باید مستدل و متقن باشد. لوایح دفاعی اساساً قرائت نمی‌شود. اگر قرائت می‌شود چرا یک خط استدلال در جهت ردّ دفاعیات وکیل در آرا مشاهده نمی‌شود؟». وکیل دیگری می‌گوید: «دادگاه آن قدر وقت ندارد که لایحه سی صفحه‌ای وکیل را بخواند. در بیشتر آرای صادره از دادگاه انقلاب، نتیجه رأی قبل صدورش معلومه. نظر وکیل هم چندان اهمیتی ندارد...». تحلیل محتوای پرونده‌های مواد مخدر نشان می‌دهد در بیشتر پرونده‌ها به‌رغم ارائه لوایح چندصفحه‌ای وکلا و طرح ایرادات ماهوی و شکلی متعدد، در رأی صادره صرفاً به ذکر «دفاعیات بلاوجه و غیرمؤثر وکیل» اکتفا شده که مؤید ادعای مصاحبه‌شوندگان است.

تجربه کشورهای که بر مسئله فساد در نظام عدالت کیفری تمرکز نموده‌اند، نشان می‌دهد که مهم‌ترین اهداف برای پرداخت رشوه در مرحله دادرسی کیفری عبارت‌اند از: ۱. دریافت حکم برائت؛ ۲. اجتناب از احراز مسئولیت کیفری یک «شخص معین» در پرونده‌های گروهی؛ ۳. اجتناب از احراز مسئولیت کیفری برای جرم سنگین‌تر با جایگزینی جرایم سبک‌تر؛ ۴. اجتناب از اعمال تدابیر معطوف به دعاوی مدنی و مصادره احتمالی اموال یا رفع توقیف از اموال (Buromenskiy et al, 2009: 83).

بر اساس نظر متخصصان مصاحبه‌شونده، در جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام، دو هدف اساسی فساد عبارت‌اند از: ۱- اجتناب از مسئولیت شخص معین در پرونده باندهای مواد مخدر؛ ۲- کاهش مجازات شخص معین از اعدام به حبس (بهبود وضعیت متهم)، در صورتی که دلایل اتهامی موجود در پرونده آن‌چنان قوی باشد که ریسک صدور حکم برائت برای قاضی را دشوار سازد. اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد «جابه‌جایی نقش‌ها» و «کاهش عنوان اتهامی» اصلی‌ترین مکانیسم‌های موجود برای نیل به اهداف بالاست^۱. با این توضیح که در جرایمی با مجازات‌های اجباری اگرچه به‌ظاهر قضات اختیار زیادی در تعیین مجازات ندارند، در واقع این مجازات‌های اجباری هستند که اهمیت «عنوان اتهامی» را هم در مرحله دادستانی و هم در مرحله دادرسی بالا می‌برند (Engen et al, 1999: 13).

تغییر در عنوان اتهامی به تفاوت مجازات متهمان کمک می‌کند و تبعیض ناشی از آن در پشت عوامل قانونی (تفاوت در رفتار مجرمانه) پنهان می‌شود که تشخیص آن را اغلب دشوار می‌سازد. در این خصوص، مصاحبه‌شونده‌ای معتقد است: «مقر فرار قاچاقچیان حرفه‌ای بیشتر در پیچ و خم دادگاه‌ها و در فرایند دادرسی با جابه‌جایی بسیار ساده نقش‌ها از سرباندی به معاونت، جرم محرز خرید به شروع جرم و مانند اینها است. چون بیشتر قاچاقچیان رده‌بالا، سرمایه‌گذار هستند و نامحسوس در اداره چرخه قاچاق همراهی می‌کنند، اینها راه فرار خوبی برایشان است». مصاحبه‌شونده‌ای (وکیل) همسو با این نظر می‌گوید: «تنگنا در پرونده‌های باندى هست، آدمای اصلی گم میشن، نقاشون ضعیف‌تر میشه یا کمرنگشون می‌کنند. مثلاً در پرونده باندى که سرکرده اتهامش سرمایه‌گذار و تشکیل بانده، دادگاه میتونه استدلال کنه برای معاونت. اینجوری رئیس باندى از باب معاونت حبس می‌گیره، ولی حکم اعدام رو برای حامل نگه می‌داره». مصاحبه‌شونده دیگری در پاسخ به این سؤال که چگونه با وجود مجازات‌های اجباری امکان تغییر مجازات وجود دارد، بیان می‌کند: «دادگاه آزادی عمل وسیعی داره در جابه‌جایی نقش؛ یعنی بی‌گناه و گناهکار جاشون عوض میشه. گناهکار اصلی میاد بیرون، همه مسئولیت میفته گردن اون بیگناه که حالا یا فقط اسم صوری ازش تو پرونده هست یا رده‌پایین‌ترین عضو بانده...»^۲. یک کنشگر

۱. در پژوهش‌های داخلی، نزدیک‌ترین مفهوم در این خصوص «متهم‌انگاری نادرست» است که البته ناظر بر محکومیت افراد «بیگناه» در جرایم مواد مخدر به‌واسطه ضعف‌های نشئت‌گرفته از ادله اثبات جرایم مواد مخدر است (غلاملو، ۱۳۹۷: ۱۶۲) و نه فساد قضایی نشئت‌گرفته از جابه‌جایی نقش متخلفان متعدد پرونده‌های باندى. در فرایند جابه‌جایی نقش‌ها، بار مسئولیت به دوش کم‌خطرترین عضو گروه (حاملی که مواد از او کشف می‌شود)، می‌افتد و با تحمیل مجازات اعدام به این محکوم (به‌رغم تقصیر کمتر از سر اعضای باندى)، فرد رده‌بالا با تقصیر بیشتر می‌تواند از دام اعدام رهایی یابد.

۲. یکی از وکلای مصاحبه‌شونده با اشاره به این روش با توجیه قانونی بیان می‌کند: «تو پرونده‌هایی که باندى هستن ما این جابه‌جایی نقش‌ها رو انجام میدیم. حتی ما قولی که به موکلون میدیم که نقشت رو میتونیم کنیم معاون. چون سرباندى کیسه مواد دستش نمی‌گیره که بگیریم داره فعل مادی انجام میده و نقشتش رو از مباشر به معاون میتونیم تغییر بدیم».

قضایی در تبیین چرایی تفاوت آرا در موقعیت‌های مشابه می‌گوید: «این تفاوت در آرای که شما الان می‌بینید، من خیلی وقته دیدم. باعث هزاران تأسف هست، ناهمکاری رو می‌بینم که نشسته مسند قضاوت خیلی راحت با یک سری فعل و انفعالات و روابط بیرون دادگاه موارد را جابه‌جا می‌کنه. به زبون خودمونی بگم عامل اصلی رو ول می‌کنه می‌چسبه به یه بدبخت. صراحتاً میگم بارها دیدم با یک نفوذ معمولی، کاملاً قضیه برعکس نشون داده میشه. این ننگ دستگاه قضا است. یه قاضی بیاد سیر اتهام را بچرخونه. اتهام من قاچاقچی را بندازه رو گردن اون بیگناهه...». فاجعه فساد در این است که این بخش‌های فقیرتر جامعه هستند که قربانی می‌شوند (سازمان شفافیت بین‌الملل، ۲۰۰۷) و در این مکانیسم، قربانیان اصلی متهمان خرده‌پای فاقد منابع و پشتوانه هستند.

اگرچه ماهیت پنهانی فساد، اجازه تشخیص قاطع آن را در تحلیل اسناد و مدارک پرونده‌ها نمی‌دهد، اما می‌توان ردپایی از این جابه‌جایی نقش‌ها و کاهش عنوان اتهامی در پرونده‌های مورد مطالعه مشاهده کرد. برای نمونه بر اساس گزارش وزارت اطلاعات، در پرونده‌ای متهم ش. ۴۲ با سرمایه‌گذاری و خرید مرفین از متهم ش. ۴۳، اقدام به تبدیل مرفین به هروئین - از سوی متهم ش. ۴۴ به عنوان آشپز و تبدیل کننده مرفین به هروئین نموده - و در مصرف داخلی به فروش می‌رساند که مأموران با برنامه‌ریزی عملیاتی، پس از انجام معامله متهمان و رد و بدل شدن وجه معامله به صورت هم‌زمان اجرای عملیات نموده که تیم اول متهم ش. ۴۲ را که مقدار ۳ کیلو و ۱۲۰ گرم مواد مخدر مشکوک به مرفین را در زیر صندلی جلو سمت شاگرد گذاشته بود پشت چراغ قرمز دستگیر و تیم دیگر متهم ش. ۴۳ که محموله را به محل معامله آورده و در ازای دریافت وجه در معرض فروش قرار داده بود، بازداشت کردند. بر اساس نظریه پلیس مبارزه با مواد مخدر و استشهادهای محلی، هر دو نفر از قاچاقچیان حرفه‌ای بوده که در سطح گسترده اقدام به تهیه و توزیع مواد در اوزان بسیار بالا می‌نمودند. از سوی دیگر هر دو نفر در امر خرید و فروش و حمل آن به سایر استان‌های دیگر دستگیر و زندانی و به خاطر کتمان حقیقت و خلأهای موجود، بارها از چنگال عدالت تبرئه شده و مجدداً فعالیت خود را به نحو گسترده‌تری پیش گرفته‌اند و از این راه ثروت هنگفتی به‌دست آورده‌اند. در این پرونده مشاهده می‌شود که به‌رغم اینکه اظهارات هر دو متهم در جای‌جای پرونده حکایت از فعالیت آنها در جرایم مواد مخدر دارد؛ به‌ویژه در صفحات ۹ و ۱۰۰ پرونده که به‌صراحت اقرار به ارتکاب جرایم پیش‌گفته نموده‌اند و از این جهت کیفرخواست با عنوان مشارکت در حمل و فروش ۳ کیلو و ۱۲۰ گرم مرفین برایشان صادر شده است. در مرحله دادرسی در طی دو حکم جداگانه (به‌واسطه ادعای بیماری یکی از متهمان و رسیدگی جداگانه)، ابتدا نسبت به برائت متهم ش. ۴۳ رأی صادر شد و سپس در خصوص متهم ش. ۴۲ که مواد از ماشین وی کشف شده بود، از مشارکت به معاونت تغییر عنوان اتهامی داده شد (کاهش عنوان اتهامی برای خروج از اعدام) و کلیه مسئولیت جرم به متهم ش. ۴۴ که هیچ ردی از وی در پرونده موجود نبود، انتقال یافت. چنانچه در قسمتی از رأی پیرامون

برائت متهم ش. ۴۳ بیان شده است: «در خصوص اتهام آقای ... دارای سابقه کیفری با وکالت تعیینی ... دائر بر مشارکت در نگهداری و قاچاق سه کیلو و ۱۲۰ گرم مرفین، دادگاه با توجه به محتویات پرونده و علی‌الخصوص انکار مصرانه متهم در تمامی مراحل دادرسی و اینکه ادنی دلیلی در پرونده علیه متهم موجود نیست و حسب گزارش مأمورین فرامرز نام (متهم ش. ۴۴) کیف حاوی اسکناس‌ها را به عنوان ثمن حاصله بوده از صندوق عقب خودرو برداشته و داخل منزل برده... صد افسوس که فرامرز نام در مرئی و منظر مأمورین بوده که هیچ اقدامی جهت دستگیری وی صورت نگرفته است...، به جهت فقدان ادله کافی حکم برائت صادر می‌شود». و در خصوص متهم ش. ۴۲ در رأی جداگانه‌ای بیان شده است: «...متأسفانه پلیس و دادسرا خریدار و فروشنده که اسامی هر دو آنها فرامرز نام^۱ بوده را جلب و تحقیقات لازم را انجام نداده و عمل ارتكابی متهم نیز در کیفرخواست مشارکت در قاچاق مواد قید شده که با معاونت مطابقت داشته و دلیلی بر مالکیت مواد توسط متهم در پرونده مشهود نیست...». به این صورت در مرحله بدوی دو متهم اصلی پرونده با برائت و معاونت در جرم از اعدام خلاصی یافتند، بی‌آنکه مبادری برای مواد مکشوفه محکوم شود^۲.

این جابه‌جایی نقش‌ها صرفاً محدود به مداخله کنشگران قضایی نمی‌شود، بلکه جلوه‌هایی از تهدید یا تطمیع متهمان رده‌پایین از سوی متهمان قدرتمندتر در ازای قبول کلیه مسئولیت جرم در پرونده‌ها است. همچنان که در پرونده‌ای متهم (۱۸ ساله) که برای حمل مواد اجبر شده بود، پس از چند جلسه تحقیق، بیان داشت: «شیشه‌ها متعلق به ح.ب هست. در زندان مدام مرا تهدید می‌کند و می‌گوید اگر به من حکم اعدام بدهند تو را خواهم کشت، خانه‌ات را با بنزین به آتش می‌کشم. یکبار هم می‌گفت هرچقدر پول می‌خواهی به تو بدهم، به‌نوعی مرا از پرونده رد کنی».

لازم به ذکر است که بر اساس یافته‌های تجربی، نقض مهلت‌های رسیدگی به پرونده (یا ایجاد تأخیر در سایر مراحل) به‌عنوان شایع‌ترین تخلف در پرونده‌هایی با زمینه فساد در نظر گرفته می‌شود (Buromenskiy, 2009: 47). در جرایم مواد مخدر نیز داده‌های پژوهش نشان می‌دهد ایجاد تأخیرهای مهندسی شده در فرایند کیفری، سازوکاری مکمل در کنار جابه‌جایی نقش‌هاست که ضمن کاهش

۱. این درحالی است که بررسی اسناد و مدارک پرونده هیچ اثری از وجود فرامز نام دوم در پرونده را نشان نمی‌دهد.

۲. در خصوص این پرونده لازم به توضیح است که حساسیت شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر به مصادره کل اموال محکوم ش. ۴۲ و مکاتبه با واحد اجرای حکم و اعتراض به عدم تعیین تکلیف اموال وی در رأی اصداری، موجب می‌گردد دادیار واحد اجرای حکم، پرونده را بررسی و به‌واسطه تناقض آشکار رأی با ادله و مدارک موجود در پرونده، به دادستانی کل کشور اعتراض نماید. درنهایت با نقض رأی متهم ش. ۴۲ و ارجاع پرونده وی به شعبه هم‌عرض، حکم اعدام برای وی صادر گردید. اما در خصوص متهم ش. ۴۳ که حساسیتی به اموال وی از سوی شورا ایجاد نشده بود، حکم برائت او از توجه کنشگران قضایی مغفول ماند.

حساسیت نهادهای کاشف به پرونده با گذشت زمان (به فراموشی سپردن آن)، آزادی عمل بیشتری به بازیگران عدالت کیفری اعطا می‌کند. همچنین در مواردی این تأخیر، بدون لزوم تغییر عنوان اتهامی و صرفاً از طریق شمول قانون جدید می‌تواند به نفع متهم باشد (نظیر شمول ماده ۴۵ الحاقی در زمان دادرسی‌های عامدانه به تأخیر افتاده تا سال ۱۳۹۶).

در یکی از پرونده‌ها مشاهده می‌شود این تأخیر توأم با کاهش عنوان اتهامی موجب شده سرباند پرونده که به اتهام خرید و فروش و توزیع مجموعاً ۲۱۰ کیلوگرم مرفین، تشکیل شبکه‌ای متشکل از ۶ نفر و سرپرستی آنها و سرمایه‌گذاری در قاچاق مرفین در سال ۱۳۹۱ دستگیر و در سال ۱۳۹۳ به اعدام محکوم شده بود، با انواع روش‌ها اجرای حکم قطعی را به تعویق انداخته، در نهایت پس از چندین بار درخواست اعاده دادرسی، شعبه رسیدگی کننده به پرونده در سال ۹۷، اتهام محکوم را از سربندی به معاونت در جرم تقلیل داده، به بیست سال حبس محکوم نمود که از بابت تسلیم به رأی به ۱۵ سال حبس کاهش یافت. در حالی که متهمان زبردست این فرد که به دستور وی مواد را حمل نموده، به اداره باند از سوی این متهم بارها اشاره کرده بودند، به اعدام محکوم شدند و حکمشان بدون تأخیر قابل توجهی به اجرا درآمد.

۷. عدم شفافیت و تبعیض آمیز بودن تصمیمات کمیسیون عفو و بخشودگی

بسیاری از پژوهش‌های کیفرشناختی در زمینه تبعیض در فرایند کیفری، بر مراحل رسمی‌تر و مشهودتر زنجیره عدالت کیفری (مرحله دادرسی) تمرکز نموده و از توجه به مرحله اجرای حکم غافل مانده‌اند. این در حالی است که بخش قابل توجهی از تبعیض در این مرحله کمتر رسمی و قابل مشاهده بروز می‌یابد (Spohn, 1987: 176). با توجه به اینکه این مرحله کمتر رسمی است، ممکن است کنشگران را به پیروی از رویه‌های سخت مرحله کیفردهی ملزم نکند و به دلیل اینکه کمتر قابل مشاهده است، کمتر مورد بررسی خارجی قرار بگیرد؛ از این رو، ظرفیت بالقوه بیشتری برای تبعیض نسبت به مراحل قبلی دارد. امروزه تمام کشورهایی که مجازات اعدام را مجاز می‌دانند^۱ به محکومان به اعدام اجازه می‌دهند تا از

۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برای حمایت از حقوق کسانی که به مجازات اعدام محکوم می‌شوند، حق درخواست عفو یا تخفیف (جایگزینی مجازات سبک‌تر) را برای همه محکومان اعدام تضمین می‌کند. بر اساس بند ۴ ماده ۶ میثاق: «هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید. عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد ممکن است اعطا شود». دیوان بین‌المللی دادگستری بر این عقیده است که رویه‌های عفو، اگرچه از سوی قوه مجریه (نهادهای حکومتی) و نه قوه قضاییه انجام می‌شود، بخش جدایی‌ناپذیری از سیستم کلی برای تضمین عدالت و انصاف در روند قانونی است:

See: CASE CONCERNING AVENA AND OTHER MEXICAN NATIONALS (MEXICO v. UNITED STATES OF AMERICA) JUDGMENT OF 31 MARCH 2004, PARA:142.

بالاترین مقام کشوری یا هیئت اداری درخواست عفو نمایند (Harmon et al, 2010: 744). در ایران مستند به بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، عفو خصوصی از اختیارات رهبری ذکر شده است، اما به واسطه آنکه ابتکار عمل در این خصوص عملاً به نهادهای رده پایین در نظام سلسله مراتب اداری واگذار شده است، نقش و عملکرد کمیسیون عفو و بخشودگی (کمیسیون استانی و مرکزی)^۱ در این خصوص برجسته است. این کمیسیون در موقعیت‌های مختلف می‌تواند مداخله کند و به‌نوعی سرنوشت نهایی محکوم را رقم بزند. قدرت بر عطوفت، مدارا و ملایمت، می‌تواند سرآغاز یک انتخاب تبعیض‌آمیز باشد. اهمیت چشمگیر تصمیمات عفو در سرنوشت محکومان اعدام، همراه با ماهیت کاملاً اختیاری آن، این نهاد را به «منطقه ای به شدت مستعد اعمال فاسد و مشکوک» تبدیل نموده و نگرانی‌هایی پیرامون اعمال تبعیض‌آمیز و بی ضابطه آن را ایجاد کرده است (Kobil, 2000: 576; Batra, 2012: 39; Girelli, 2019: 13; AmnestyInternational, 2015: 55). به اعتقاد کیفرشناسان، فساد در فرایند قضایی به اشکال مختلفی بروز می‌کند، اما ویژگی‌های نهادهایی که اغلب فاقد نظارت مستقل و پاسخگویی هستند، فساد را فعال‌تر می‌سازد (IBA, 2016: 18; Butt & Lindsey, 2010: 196).

بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، فرایند رسیدگی به «درخواست عفو» با شاخص‌های دادرسی عادلانه فاصله بسیار دارد و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، اصول دادرسی به صورت «حدافلی» رعایت می‌شود (Kobil, 2000: 575). نظام‌های فعلی برای اعطای عفو، از اعضای غیرقضایی تشکیل شده است که در عمل بدون استماع پرونده و مطالعه کامل آن و حتی بدون ارائه توضیحی پیرامون دلایل قبول یا رد عفو، تصمیم می‌گیرند (Harmon et al, 2010: 743). رسیدگی به درخواست عفو در ایران برخلاف روندهای رسیدگی قضایی، «پشت درهای بسته» صورت می‌گیرد و تصمیمات آن «محرمانه و منتشر نشده» است و دلایل تصمیمات هیچ‌گاه علنی نمی‌شود. مقررات موجود، کمیسیون مرکزی را به ارائه دلیل یا توضیحی به محکوم برای رد یا قبولی درخواست عفو ملزم نمی‌کند. در این راستا یکی از وکلای مصاحبه‌شونده می‌گوید: «کمیسیون مرجع قضایی صرف نیست و تصمیمات آن در معرض داوری نیست. مثل آرای قضایی نیست که منتشر بشود و قابلیت نقد و بررسی داشته باشد. جایی که پاسخگویی نیست و امتیازی وجود دارد، طبیعتاً دلالتی هم هست؛ به خصوص جایی که بحث آزادی و حیات مطرح است، طرف حاضر است کل زندگی‌اش را بدهد و از مجازات اعدام خلاص شود...».

۱. ماده ۴ آیین‌نامه کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات: کمیسیون استانی مرکب است از رئیس کل دادگستری استان، دادستان مرکز استان، قاضی ناظر زندان مربوط و مدیرکل زندانهای استان که توسط رئیس قوه قضاییه برای مدت ۳ سال به عضویت کمیسیون مزبور منصوب می‌شوند. جلسات با حضور ۳ نفر از اعضای فوق علاوه بر دادستان مربوط به پرونده محکوم علیه رسمیت خواهد یافت و تصمیمات با ۳ رأی موافق معتبر خواهد بود.

همچنین به واسطه حجم انبوهی از پرونده‌ها همراه با مشغله‌های کاری مقامات ذی‌صلاح، اعضای کمیسیون ممکن است نتوانند حتی تمام اطلاعات مرتبط را دریافت کنند. در این موارد دبیر یا منشی کمیسیون به‌عنوان یک «فیلتر» عمل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه اطلاعاتی به اعضا انعکاس داده شود. در این راستا یک عضو کمیسیون استانی می‌گوید: «کمیسیون معمولاً ماهی یک یا دو بار تشکیل جلسه می‌دهد. بر اساس حسن اخلاق و سابقه کیفری مشابه فرد در مورد هر پرونده در طی مشورت با سایر اعضا تصمیم‌گیری می‌کند». یک کنشگر قضایی در نظر متفاوتی بیان می‌کند: «کمیسیون ماهی یک یا دو ماه یکبار جلسه کمیسیون تشکیل می‌دهد. تو این مدت پرونده‌ها رو هم تلتبار میشن. اعضای کمیسیون در عرض نیم ساعت نشستن و گفتن و برخاستن در مورد حیات ممت چند نفر تصمیم می‌گیرند. درحالی که اگر بر اساس مطالعه کامل پرونده‌ها پیش بره فووقش بتونه به دوتا پرونده رسیدگی کنه نه بیست تا». تحلیل محتوای پرونده‌ها نشان می‌دهد که در تمامی پرونده‌هایی که محکوم درخواست عفو داشته، هیچ دلیل خاصی در پرونده مبنی بر استحقاق یا عدم استحقاق عفو ذکر نشده است و کمیسیون مرکزی از یک قالب چند خطی واحد برای اعلام قبولی یا مردودی درخواست محکومان استفاده کرده است. برای نمونه «احتراماً بازگشت به نامه ... به آگاهی می‌رساند درخواست عفو محکوم علیه ... مورخه... پس از بحث بررسی و به لحاظ عدم احراز شرایط / احراز شرایط، از سوی اعضای محترم کمیسیون مردود/ قبول شناخته شده و مورد مخالفت/موافقت قرار گرفته است، خواهشمند است دستور فرمایید برابر مقررات اقدام مقتضی معمول و مراتب در سوابق وی درج شود». در این چند جمله که در تمامی پرونده‌ها یکسان است صرفاً مشخصات محکومان است که تغییر می‌یابد. از این رو، شاخص‌های کمیسیون برای موافقت و مخالفت نامشخص است و شاخص شفافیت در این زمینه وجود ندارد. همین امر، بیش‌ازپیش امکان اعمال نفوذ و استفاده از رایزنی‌های پشت پرده را فراهم می‌آورد.

مصاحبه با متخصصان امر نشان می‌دهد عدم شفافیت آرای کمیسیون و مستدل نبودن آن در خصوص دلایل امتناع از عفو یا قبول آن، آزادی عمل گسترده‌ای به اعضای کمیسیون‌ها اعطا نموده و بی‌ضابطگی را به‌ارمغان آورده است. تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان به اعطای بی‌قاعده عفو باور داشته، رهایی از اعدام را با بهره‌گیری از ارتباط‌های رسمی و غیررسمی با اعضای کمیسیون عفو و بخشودگی ممکن دانسته‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص عدم شفافیت کمیسیون معتقد است: «علت واقعی این است که به تعدادی از محکومان که واقعاً شرایط اعلامی عفو را هم ندارند؛ عفو اعطا می‌شود. شفاف نمی‌نویسند که مفری برایشون باشه می‌بینی شرایط نداره اما مثلاً آشنای مسئول دبیرخانه است، آشنای دادستانه، بالاخره سفارشی میشه و عفو میگیره». مصاحبه‌شونده دیگری می‌گوید: «هم پذیرشش، هم عدم پذیرشش همین قدر غیرشفافه. من وکلایی رو می‌شناسم که نفوذهای عجیب‌غریبی دارند و تضمینی کار میکنند که حکم اعدام رو بشکنند و واقعاً هم جواب می‌گیرند». در تأیید این نظر، یکی دیگر

از وکلای مصاحبه‌شونده می‌گوید: «به نظر من این کلی‌گوییها علتش اینه که به تعدادی از محکومان که شرایط ندارن بتونن عفو بدن و دستشون تو این زمینه باز باشه، همچنانکه تو پرونده‌های خودم موکلی بوده با هشت کیلو هروئین عفو خورده، ولی موکل دیگه‌ام با ۷۰۰ گرم مواد [قبل از تصویب ماده ۴۵ الحاقی] اعدام شده». در خصوص قدرت بهره‌مندی از عفو، وکیلی می‌گوید: «تجربه و کالت من نشون میده تو پرونده هر کی نفر قوی داشته باشه، یه کمی شرایطش مساعد باشه با عفو موافقت میشه». وکیل دیگری می‌گوید: «شفافیت نیست تا اونی که آدمشو داره از نفوذ سوءاستفاده کنه. ظرفیت فساد کمیسیون بالاست. تو این مرحله کمیسیون پول‌های رقم‌درشت جابه‌جا میشه من کسانی رو می‌شناسم که تو کمیسیون آدم دارن و درصدی کار میکنن؛ درواقع دلالی عفو راه انداختن»^۱.

تحلیل محتوای پرونده‌ها اگرچه مدارکی رسمی از فساد ارائه نمی‌دهد، اما نشانه‌هایی از بی‌ضابطگی در مرحله اعطای عفو را در خود دارد. برخلاف نظر عضو کمیسیون عفو و بخشودگی استانی مصاحبه‌شونده که بیان داشته است: «سابقه کیفری مشابه، مهم‌ترین عامل در تصمیم برای قبولی یا رد عفو است»، مشاهده می‌شود در پرونده ش. ۲ محکوم به اعدام ۳۲ ساله و دارای ۱۴ فقره سابقه محکومیت کیفری که ۸ فقره آن با حمل و نگهداری حشیش و تریاک مرتبط بوده است، در اسفند ۱۳۹۵ مشمول عفو شده و اعدام وی به حبس ابد تبدیل و در شهریور ۹۷ مجازات حبس ابد وی از باب ماده ۴۵ الحاقی به بیست سال حبس تعزیری کاهش یافته است. گفتنی است، به‌رغم اینکه این محکوم سابقه محکومیت کیفری مؤثر داشته است، در فرم پیشنهاد عفو ارسالی از سوی واحد اجرای حکم، در خصوص سوابق متهم گزینیه فاقد سابقه کیفری تیک زده شده که حکایت از بی‌دقتی مسئولان دارد. در پرونده محکوم ش. ۱۷، مردی ۴۸ ساله مشاهده می‌شود که وی در سال ۹۲ به دلیل واردکردن مواد به داخل زندان به حبس ابد محکوم شده و در سال ۹۳ از باب واردکردن مجدد مواد به زندان به اعدام محکوم می‌شود. اگرچه درخواست عفو این محکوم در بار اول از سوی کمیسیون مرکزی رد شد، درخواست عفو محکوم در بار دوم - مدتی پس از عزل وکیل سابق خود و ارائه درخواست عفو با همکاری وکیل جدید - در شهریور ۱۳۹۶ پذیرش و مشمول عفو رهبری گردید. در وضعیتی که محکومان دارای منابع، با مواد

۱. همچنین در خصوص فعالیت برخی مؤسسات به‌ظاهر حقوقی که از اعدام ارتزاق کرده، وعده خلاصی می‌فروشند، گزارش‌هایی در رسانه‌ها منتشر شده است. برای نمونه در گزارشی که پیرامون امکان عفو یک قاچاقچی تهیه شده، سوژه‌های این گزارش می‌گویند «خیلی خوب می‌توانند حکم اعدام را بشکنند و قاچاقچی‌ها را زنده نگه دارند به این شرط که سر کیسه شل شود و مردم کمی دندان روی جگر بگذارند. این سوژه‌ها با بیان اینکه اصلاً کارشان رخنه کردن در کمیسیون عفو است و بارها شده آدم‌های زیر تیغ را به همین روش نجات داده‌اند، از تعرفه‌های نجومی صحبت کرده‌اند». چگونه برخی مؤسسات حقوقی از اعدامی‌ها اخاذی می‌کنند؟ (بهمن ۱۳۹۷) قابل دسترسی در:

مخدري سنگين در لوايح چندصفحه‌اي و با استفاده از وکلای^۱ دارای ارتباط رسمي و غيررسمي با کميسيون، برای عفوشان رايزني نموده‌اند، در پرونده‌هاي متعددي مشاهده مي‌شود محکوماني با سنين زیر ۲۵ سال، فاقد سابقه کيفري و با وضعيت اقتصادي نامطلوب که برای حمل مواد در قبال مبلغ اندکي اجبر شده‌اند، با درخواست عفوشان بدون دليل موجهي مخالفت شده و حکمشان اجرا گردیده است.^۲

علاوه بر موارد پيش گفته، راهبرد تأخير در اجرای حکم نیز يکي از اصلي‌ترين دفاعيات رويه‌اي وکلای محکومان در مرحله پسامحکوميت است (yin, 2005: 27) که بر اساس مصاحبه‌هاي صورت گرفته در جرایم مواد مخدر، علاوه بر روش‌هاي قانوني نظير درخواست اعاده دادرسي، راه‌هايي چون رايزني برای نگه‌داشتن پرونده در مرحله کميسيون عفو استاني يا مرکزي، به کار گماردن کارچاق‌کن‌ها برای ايجاد تأخير شش ماهه در استيدان، و صحبت با قاضي يا کارمندان واحد اجرای حکم برای به‌تأخير انداختن اعدام به کار گرفته مي‌شود. يکي از وکلا در خصوص عملکرد کميسيون عفو در ايجاد تأخير مي‌گويد: «يکي از معروف‌ترين روش‌ها برای ايجاد تأخير، کميسيون عفو. ما تو پرونده‌هايي که دستمون از نظر دفاعي خيلي بسته هست ميگيم از اين ستون به اون ستون فرجه. اينجوري نگاه ميکنيم که يه ستون قوي ما برای نگه‌داشتن پرونده، کميسيون عفو هست. ما پرونده قطعي شده رو دو سال کميسيون عفو نگه داشتيم و ميتونستيم بيشتتر هم نگه داريم». در پاسخ به چگونگي ايجاد تأخير، وکیل مصاحبه شونده بيان مي‌کند: «کسي رو داشته باشي تو کميسيون در حد مدير دفتر برای پرونده‌هايي که وقت نظارت ميريه برا کميسيون. ما بش ميگفتيم اين پرونده رو ديرتر به سمع و نظر برسونه و وقت‌هاي نظارت طولاني برآش ميذاشتيم. اگه تو کميسيون هم کسي رو داشته باشي، بتوني نظر مثبت رو جلب کني، چه بهتر. همين پرونده که نگهش داشتيم، پرونده حمل ۵۰ كيلو ترياک و ۸ كيلو مرفين بود که بعد دو سال عفو شو گرفتيم».

در بررسی پرونده‌ها همچنين مشاهده مي‌شود اگرچه برابر مقررات قانوني تقاضاي عفو صرفاً برای يکبار موجب توقف اجرای حکم است، در عمل در راستاي احتياط در دماء و حفظ حق حيات به‌طور معمول دو بار درخواست عفو بررسی مي‌شود. اما در پرونده برخی محکومان بي‌بضاعت که تعداد اوراق کل پرونده آنها شايد به ۸۰ برگ هم نمی‌رسد، مشاهده مي‌شود صرفاً با يکبار درخواست عفو و مخالفت

۱. لازم به ذکر است در قوانين کيفري ايران، ضوابطی برای تعيين وکیل تسخيري در مرحله اجرای حکم پيش‌بيني نشده است.
 ۲. در خصوص اين بی‌ضابطگي يکي از محکومان اعدام مي‌گويد: «تو زندان بعضيا رو ميبيني که حقه اعدام، غير مواد مخدر صد تا خلاف ديگه هم کرده اما دو سه سال حکمشو اجرا نميکنند، بعدم عفو ميگيره اما اوني که بدون سابقه‌اس، جوونه، وزن موادش کمه بلافاصله چندماه بعد حکمش اجرا ميشه. حساب کتابي نيس تو عفو ... اصلا هم به جنس و وزن مواد ربط نداره».

کمیسیون حکم اعدام اجرا گردیده است، گویی درخواست عفو این محکومان صرفاً آیین تشریفاتی برای رفع مانع اعدام بوده است. این درحالی است که در پرونده‌های محکومانی با وکیل تعیینی مشاهده می‌شود در مواردی تا سه بار درخواست عفو محکوم به کمیسیون ارسال شده که اصلی‌ترین کارکرد چنین درخواست‌هایی ایجاد تأخیر چندین ماهه در پرونده است.

در هر حال، در شرایطی که حکم اعدام برخی محکومان جرایم مواد مخدر با وجود جاری بودن پرونده و عدم تعیین تکلیف نهایی به‌اجرا گذاشته شده است^۱، برخی محکومان با تکیه به منابع مالی و انسانی خود، اجرای حکم اعدام خود را به تأخیر می‌اندازند. چه بسیار محکومانی با همین روش‌ها توانستند پرونده را تا زمان اجرایی کردن ماده ۴۵ الحاقی به تأخیر انداخته، با شمول قانون جدید اعدام نشوند.^۲

۸. نتیجه‌گیری

نظام عدالت کیفری از برابری در پیشگاه قانون در سطح ایدئولوژیک حمایت می‌کند، اما اجرای عملی قانون مبتنی بر بهره‌برداری از همان نابرابری است که ایدئولوژی حقوقی از آن اجتناب می‌کند. پیرو این امر، درحالی که انتظار می‌رود شمشیر برنده عدالت «سوداگران مرگ» را هدف قرار دهد، آنان که گردش مالی هنگفت دارند، فلاکت برای مجرمان خرده‌پا به‌همراه می‌آورند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد:

۱. برای نمونه، خبر منتشره «نقض حکم اعدام یک قاچاقچی پس از اعدامش» در تیر ماه ۱۴۰۰: ده ماه پس از آنکه خضر قوبدل، متهم به قاچاق مواد مخدر، در زندان ارومیه اعدام شد، حکم اعدام در دیوان عالی کشور نقض گردید.
۲. این اعمال گزینشی اعدام، حس بی‌عدالتی را به‌ارمغان می‌آورد. به‌نحوی که بستگان اعدام‌شدگان ممکن است با این باور باشند که قربانی بازی تبعیض‌آمیز اعدام‌اند. یافته‌های پژوهشی درباره خانواده محکومان به اعدام در یکی از مناطق محروم و مرزی کشور، نشان می‌دهد مطلق این خانواده‌ها اعتقاد داشتند اعدام سرپرست آنها عادلانه نبوده، عدالت در مورد همه مجرمان مواد مخدر رعایت نمی‌شود؛ به‌گونه‌ای که به‌زعم آنها حتی بسیاری از افرادی که وزن مواد آنها سنگین‌تر از وزن مواد مکشوفه از سرپرست آنها بوده، با اعدام مواجه نشدند، اما سرپرست خانواده آنها اعدام شده است (زارع، ۱۳۹۵). به نقل از: حدادزاده، ۱۳۹۷: ۲۰۵). همگام با این یافته‌ها، این حس بی‌عدالتی در اعتراض همسر یکی از اعدام‌شدگان در یکی پرونده‌های مورد مطالعه قابل مشاهده است: «شوهر اینجانب به اتهام مشارکت در خریدوفروش مواد مخدر با متهم اصلی آقای ... هر دو به اعدام محکوم شده‌اند. حکم اصداری در خصوص شوهر اینجانب در شهریور ۱۳۹۴ اجرا گردید درحالی که متهم اصلی که کل مواد متعلق به ایشان است، هنوز حکم اعدامش اجرا نگردیده است و در زندان به‌سر می‌برد و در حال تلاش برای تخفیف اعدام است. در صورتی که شوهر من به علت نداشتن هزینه گرفتن وکیل و پیگیری پرونده اعدام گردیده و من و دو فرزندم آواره مانده‌ایم. این چگونه عدالتی است که حکم متهم اصلی پرونده که عامل اغفال شوهرم تنها در قبال دو میلیون تومان بوده است، اجرا نمی‌گردد و پرونده مسکوت مانده است و چه عاملی باعث گردیده که در خصوص شوهرم حکم اجرا شود؟ ...». بر اساس مدارک و آرای موجود در این پرونده، حکم محکوم اصلی پس از تأخیر قابل توجه، در نهایت در سال ۱۳۹۶ مشمول ماده ۴۵ الحاقی گردید و به سی سال حبس تقلیل یافت.

دهد ترکیبی از تبعیض‌های برآمده از قانون (تأکید بر معیار وزنی و به تبع آن کشف‌محوری)، تبعیض‌های ضمنی ناشی از منابع محدود متهمان فرودست (نظیر عملکرد ضعیف و کلای تسخیری) و البته فساد قضایی از مرحله کشف جرم تا اجرای حکم، موجب شکل‌گیری الگوی ثابتی از آسیب‌پذیری مجرمان خرده‌پا و در عین حال، مصونیت قاچاقچیان رده‌بالای مستوجب اعدام در جرایم مواد مخدر شده است.

تعیین نقش دقیق فساد در شکل دادن به مصونیت از مجازات قاچاقچیان دشوار است، زیرا نظام عدالت کیفری ما در مبارزه با جرایم مواد مخدر ناکارآمدی‌های بسیاری دارد، ولی به صورت حداقلی می‌توان پذیرفت که در هر نقطه از فرایند عدالت کیفری، آنهایی که قدرت تصمیم‌گیری در مورد پیشبرد یا پایان دادن به پرونده را دارند، در معرض محدودیت‌های اندکی برای اعمال قدرت خود هستند. کنترل حیات و ممت افراد، بدون شفافیت، پاسخگویی و نظارت مؤثر، فرصتی برای فروش عدالت در برابری آزادی است. در چنین اوضاعی، قاچاقچیان رده‌بالا که با قوانین آشنا هستند، باور دارند که می‌توان قوانین را بر اساس خواسته آنها دست‌کاری کرد. کسانی که با افسران پلیس سروکار دارند، انتظار دارند دستگیر نشوند و در صورت تعقیب، با استفاده از قدرت لابی‌گری و منابع خود، تیرئه شوند و اگر دلایل اتهامی قوی باشد، خواهان کمترین مجازات هستند و در بدترین شرایط، چنانچه به اعدام محکوم شوند اطمینان دارند که در فرایند بی‌ضابطه و غیرشفاف اعطای عفو خلاص می‌شوند. این درحالی است که مرتکبان خرده‌پا که در قانون توجه مداخلات نظام عدالت کیفری قرار دارند، منابع قانونی لازم برای دفاع از خود را در اختیار ندارند. وضعیت نامطلوب مادی اکثر متهمان اعدام را مجبور می‌کند که به وکیل تعیین‌شده از سوی دادگاه که شاید در راهروی دادگاه و قبل از جلسه برای اولین بار او را ببینند، اعتماد کنند. افزون بر این، تعهدات وکلای تسخیری به مرحله رسیدگی (اغلب حضور در یک جلسه دادگاه به صورت تشریفاتی) محدود شده است. در این ساختار ناعادلانه، این مرتکبان تهیدست وکیلی برای اعتراض به رأی نداشته، حتی در صورت وجود دلایل موجه در پرونده، امکان پیشبرد پرونده بیش از مرحله بدوی را ندارند. چنین محکومانی حتی توان مالی برای هزینه در مرحله عفو را هم ندارند و این ناتوانی، آنها را قربانی مجازات اعدامی می‌کند که فرد ثروتمند و شاید مقصرتر می‌تواند از آن فرار کند. بر این اساس، درجایی که میزان تحقق عدالت به توان مالی متهم بستگی دارد، جای تعجب نیست که اکثر اعدام‌شدگان از طبقات ضعیف جامعه باشند. بنابراین، نتیجه تمرکز بر کیفرهای خشونت‌باری چون اعدام برای «پیروزی» در جنگ علیه مواد مخدر، به‌طور نامتناسبی قربانی کردن آسیب‌پذیرترین و به‌حاشیه رانده‌شده‌ترین افراد در قاچاق مواد مخدر بوده است.

داده‌های این پژوهش، تنها می‌تواند تصویری جزئی از نابرابری ساختاری نظام عدالت کیفری ارائه دهد و نتایج به‌دست‌آمده از بررسی، تنها نوک کوه یخ این بحران در زنجیره عدالت کیفری است؛ با این حال، به نظر می‌رسد عملکرد ایدئال نظام عدالت کیفری در مبارزه با مواد مخدر، به یک انحطاط ناشی از دست‌کاری، تبعیض و بی‌عدالتی بدل شده است.

در این راستا توجه به نقش افراد (تفکیک مجازات حامل رده پایین از سرباند) و اجتناب از معیار وزنی در تعیین مجازات‌ها، ایجاد نظارت خارجی بر عملکرد پلیس و دقت در گزینش پرسنل مبارزه با مواد مخدر، انتشار کلیه آرای قضایی و مکالماتی که در طی جلسه دادرسی در سامانه‌های آنلاین و دسترسی عموم مردم به آن به منظور افزایش شفافیت و در عین حال، بالا بردن ریسک صدور آرای خلاف قانون (افزایش هزینه فساد قضایی)، الزام کمیسیون عفو و بخشودگی به صدور آرای مستدل در خصوص دلایل بهره‌مندی یا امتناع از عفو، نظارت مراجع عالی بر عملکرد کمیسیون‌ها و برخورد قاطع دستگاه قضا با مافیای قضایی و از دیدگاه آرمانی، لغو مجازات اعدام در این جرایم، می‌تواند به خروج نظام عدالت کیفری از چرخه معیوب اجرای عدالت در مبارزه با مواد مخدر کمک نماید.

منابع

الف) فارسی

۱. اکبری، حسین (۱۳۷۹). مطالعه نظری عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران. مجموعه مقالات همایش جنبه‌های سیاست جنایی در قبال جرایم مواد مخدر، تهران: روزنامه رسمی.
۲. بهشتی، سید صمد و خان محمدی، احسان (۱۳۹۹). بررسی وضعیت ادراک از فساد و عوامل مرتبط با آن مطالعه شهروندان شهر سرپل ذهاب. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۱ (۴)، ۷۲-۴۵.
۳. پژوهشگاه قوه قضاییه (۱۳۹۵). فساد در نظام‌های قضایی گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۷. تهران: چاپ اول.
۴. حدادزاده نیزی، محمدرضا (۱۳۹۷). تحول کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر و ارزیابی اثربخشی آن. *رساله دکتری*، به راهنمایی محمد فرجیها، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. سمایی، مهدی (۱۳۹۶). گوسفند گناه‌خیز: تأملی در مورد اعدام در جرایم مرتبط با مواد مخدر. قابل دسترسی در: <https://pecritique.com/2017/12/12/>
۶. صادقی، آزاده؛ فرجیها، محمد؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ امیدی، جلیل (۱۳۹۶). پیامدهای تعیین کیفر در جرائم مواد مخدر بر پایه کمیت مواد در نظام تقنینی ایران و ایالات متحده آمریکا. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۰ (۲۱)، ۱۰۴-۸۱.
۷. صادقی، آزاده (۱۳۹۶). رویکرد تجربه‌محور به مداخله‌های نظام عدالت کیفری در جرایم مواد مخدر. *رساله دکتری*، به راهنمایی محمد فرجیها، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.
۸. عارفی، مرتضی (۱۳۹۶). مداخله نهادی عدالت کیفری نسبت به متهمان فقیر. *رساله دکتری*، به راهنمایی محمدجعفر حبیب‌زاده، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. عارفی، مرتضی؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ فرجیها، محمد؛ امیدی، جلیل (۱۳۹۷). مبانی توجیهی وکالت تسخیری و ارزیابی عملکرد وکلای تسخیری در دفاع از متهمان فقیر در پرونده‌های مواد مخدر (مطالعه

- موردی شهرستان کاشان). مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴۸ (۱)، ۱-۲۶.
۱۰. غلاملو، جمشید (۱۳۹۷). تحلیل عوامل بی‌عدالتی کیفری در جرایم مواد مخدر. مجله حقوقی دادگستری، ۸۲ (۱۰۳)، ۱۵۱-۱۷۴.

ب) انگلیسی

1. Adisa, W. B., & Alabi, T. A. (2021). An empirical investigation of court users' encounters with bribery, judicial extortion and corruption victimisation in Lagos State. *Crime, Law and Social Change*, 75(2), 141-163.
2. Akbari, H. (2000). Theoretical -practical death penalty in Iranian drug law. Tehran: *International Scientific -Practical Conference on Different Aspects of Criminal Policy against Drugs (In Persian)*.
3. Akhtar, A. M. (2010). Murder most foul: The death penalty and the disadvantaged. Available at SSRN 1638564.
4. Anderson, J. M., & Heaton, P. (2012). How much difference does the lawyer make: The effect of defense counsel on murder case outcomes. *Yale LJ*, 122, 154.
5. Arefi, M. (2018). The Intervention of Criminal Justice Agencies to the Poor Accused, *Ph.D. Dissertation, Faculty of Law*, Tarbiat Modares University (In Persian).
6. Arefi, M., Habibzadeh, M. J., Farajiha, M., & Omid, J. (2018). The Justified Foundations of Court-Appointed Lawyering and an Evaluation of the Performance of Court-Appointed Counsels in Defense of Poor Accused in Drug-Related Cases (Case Study of Kashan City). *Criminal law and Criminology Studies*, 48(1), 1-26 (In Persian).
7. Association, I. B., & Governance, B. I. o. (2016). The international bar association judicial integrity initiative: judicial systems and corruption. In: *Recuperado de* [https://www. ibanet. Org/Legal_Projects_ Team](https://www.ibanet.Org/Legal_Projects_Team) .
8. Baker, D. B., & Hassan, S. (2021). Gender and prosecutorial discretion: An empirical assessment. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 31(1), 73-90.
9. Batra, B. J. (2009). "Court" of Last Resort: A Study of Constitutional Clemency for Capital Crimes in India. Centre for the Study of Law and Governance, Jawaharlal Nehru University.
10. Beck, J. C., & Shumsky, R. (1997). A comparison of retained and appointed counsel in cases of capital murder. *Law and Human Behavior*, 21(5), 525-538.
11. Beheshti, S. S., & Khanmohammadi, E. (2020). Investigating the Status of Perceptions of Corruption and Related Factors in Sarpol-e-Zahab City. *Journal of Applied Sociology*, 31(4), 45-72 (In Persian).
12. Beheshti, S. S., & Khanmohammadi, E. (2020). Investigating the Status of Perceptions of Corruption and Related Factors in Sarpol-e-Zahab City. *Journal of Applied Sociology*, 31(4), 45-72.
13. Bohm, R. M. (2016). *Deathquest: An introduction to the theory and practice of capital punishment in the United States*: Routledge.
14. Bright, S. B. (1993). Counsel for the poor: The death sentence not for the worst crime but for the worst lawyer. *Yale LJ*, 103, 1835.
15. Bright, S. B. (2002). Race, poverty, the death penalty, and the responsibility of the legal profession. *Seattle J. Soc. Just.*, 1, 73.

16. Bright, S. B. (2014). The Role of Race, Poverty, Intellectual Disability, and Mental Illness in the Decline of the Death Penalty. *U. Rich. L. Rev.*, 49, 671.
17. Bright, S. B., & Sanneh, S. (2013). Fifty years of defiance and resistance after Gideon v. Wainwright. *Yale Law Journal*, 122.
18. Butt, S., & Lindsey, T. (2010). Judicial mafia: The courts and state illegality in Indonesia. In *The state and illegality in Indonesia* (pp. 189-213): Brill.
19. Carter, D. L. (1990). Drug-related corruption of police officers: A contemporary typology. *Journal of criminal justice*, 18(2), 85-98.
20. Chambliss, W. J. (1968). *Crime and the legal process*: McGraw-Hill.
21. Chambliss, W. J. (1995). Another lost war: The costs and consequences of drug prohibition. *Social Justice*, 22(2 (60)), 101-124.
22. Chambliss, W. J., & Seidman, R. B. (1971). *Law, order, and power*: Addison-Wesley Reading, MA
23. Daly, K., & Tonry, M. (1997). Gender, race, and sentencing. *Crime and justice*, 22, 201-252.
24. De Ungria, M. C. A., & Jose, J. M. (2020). The war on drugs, forensic science, and the death penalty in the Philippines. *Forensic science international: Synergy*, 2, 32-34.
25. Donohue, J. J. (2016). Empirical analysis and the fate of capital punishment. *Duke J. Const. L. & Pub. Pol'y*, 11, 51.
26. Engen, R. L., Gainey, R. R., & Steen, S. (1999). The impact of race and ethnicity on charging and sentencing processes for drug offenders in three counties of Washington State: *Washington State Minority and Justice Commission*.
27. Fleetwood, J. & Seal, L. (2017). Women, drugs and the death penalty: Framing sandiford. *The Howard Journal of Crime and Justice*, 56(3), 358-381.
28. George, R. M. (2016). *Prisoner Voices from Death Row: Indian Experiences*: Routledge.
29. Gholamloo, J. (2018). Analysis of Causes of Miscarriages of Justice in Drug Crimes. *The Judiciary's Law Journal*, 82(103), 151-174 (In Persian).
30. Girelli, G. (2019). The death penalty for drug offences: *Global overview 2018*.
31. Global Commission on Drug Policy (2020). *Enforcement of drug laws: Refocusing on Organized Crime Elites*.
32. Goga, K. (2014). The drug trade and governance in Cape Town. *Institute for Security Studies Papers*, 2014 (263), 18.
33. Goldfarb, P. (2016). Matters of strata: Race, gender, and class structures in capital cases. *Wash. & Lee L. Rev.*, 73, 1395.
34. Haddadzadeh Nayyeri, M.R. (2018). The Evolution of Death penalty in drug offences and evaluation of its efficacy, *Ph.D. Dissertation, Faculty of Law*, Tarbiat Modares University (In Persian).
35. Hagan, J. (1973). Extra-legal attributes and criminal sentencing: An assessment of a sociological viewpoint. *Law & Soc'y Rev.*, 8, 357.
36. Harmon, T. R., Acker, J. R., & Rivera, C. (2010). The power to be lenient: examining New York Governors' capital case clemency decisions. *Justice Quarterly*, 27(5), 742-764.
37. Houqe, M. N., Zahir-ul-Hassan, M. K., Idrus, M. A., & van Zijl, T. (2020). Bribery and corruption: assessing the fairness of the Malaysian judicial system. *Crime, Law and*

- Social Change*, 74(2), 135-154.
38. Hoyle, C. (2019). *The feasibility of conducting research on attitudes towards the death penalty in Indonesia*.
39. International Transparency. (2007). *Global Corruption Report 2007: Corruption and judicial systems*.
40. International, A. (2015). Flawed justice—Unfair trials and the death penalty in Indonesia. In: Amnesty International, International Secretariat United Kingdom.
41. Jankovic, I. (1978). Social class and criminal sentencing. *Crime and Social Justice* (10), 9-16.
42. Johnson, J. L., & Johnson, C. F. (2001). Poverty and the death penalty. *Journal of Economic Issues*, 35(2), 517-523.
43. Kalmanson, M. (2019). The Difference of One Vote or One Day: Reviewing the Demographics of Florida's Death Row after *Hurst v. Florida*. *U. Miami L. Rev.*, 74, 990.
44. Kobil, D. (1999). Chance and the Constitution in Capital Clemency Cases. *Cap. UL Rev.*, 28, 567.
45. Kramer, E., & Stoicescu, C. (2021). An uphill battle: a case example of government policy and activist dissent on the death penalty for drug-related offences in Indonesia. *International Journal of Drug Policy*, 92, 103265.
46. Kramer, J. H., Ulmer, J. T., & Zajac, G. (2017). Capital Punishment Decisions in Pennsylvania: 2000-2010: Implications for Racial, Ethnic, and Other Disparate Impacts. *Ethnic and Other Disparate Impacts* (September 2017).
47. Kutnjak Ivković, S., Maskály, J., Kule, A., & Haberfeld, M. M. (2022). *Police Code of Silence in Times of Change*. In: Springer Nature.
48. Ladikos, A. (1994). Perspectives on capital punishment, death row prisoners and sentencing. *S. Afr. J. Crim. Just.*, 7, 284
49. Lai, G. (2012). Drugs, Crime and Proportionality of Sentencing for Drug Offences. *Series on Legislative Reform of Drug Policies*.
50. Lerman, K. (2017). Couriers, Not Kingpins: Toward a More Just Federal Sentencing Regime for Defendants Who Deliver Drugs. *UC Irvine L. Rev.*, 7, 679.
51. Lizotte, A. J. (1978). Extra-legal factors in Chicago's criminal courts: Testing the conflict model of criminal justice. *Social Problems*, 25(5), 564-580.
52. Lovre- Laughlin, N. (2005). Lethal Decisions: Examining the Role of Prosecutorial Discretion in Capital Cases in South Dakota and the Federal Justice System. *SDL Rev.*, 50, 550.
53. Lupsha, P. A. (2021). Drug lords and narco-corruption: The players change but the game continues. In *War on Drugs* (pp. 177-195). Routledge.
54. Lyman, M. D. (2013). *Drugs in society: Causes, concepts, and control*: Routledge.
55. M. Buromenskiy, O. S., I. Osyka, S. Syrotenko, I. Shekhovtsov, O. Volianska, S. Kalchenko. (2009). *CORRUPTION RISKS IN CRIMINAL PROCESS AND JUDICIARY*. Retrieved from Kyiv.
56. Machethe, P., & Mofokeng, J. T. (2022). The impact of illicit drug networks on the effectiveness of law enforcement in South Africa. *Technium Soc. Sci. J.*, 27, 338.
57. Maher, R. M. (2017). Poverty and the Death Penalty. Retrieved from <https://www.penalreform.org/blog/poverty-death-penalty/>

58. Meneses-Reyes, R. (2018). Lawyering on the margins: lawyers and drug-criminals before Mexican federal courts. *International Journal of the Legal Profession*, 25(1), 91-105.
59. Mimms, E. (2018). International Law and the Death Penalty in the United States. Available at SSRN 3365287.
60. Mohamed, A. R., & Fritsvold, E. D. (2022). Dorm room dealers. In *Dorm Room Dealers: Lynne Rienner Publishers*.
61. Morris, S. D. (2012). Corruption, drug trafficking, and violence in Mexico. *The Brown Journal of World Affairs*, 18(2), 29-43.
62. Mustafa, C., Malloch, M., & Hamilton Smith, N. (2020). Judicial perspectives on the sentencing of minor drug offenders in *Indonesia: discretionary practice and compassionate approaches*. *Crime, Law and Social Change*, 74(3), 297-313.
63. Pahis, S. (2008). Corruption in our courts: What it looks like and where it is hidden. *Yale LJ*, 118, 1900.
64. Paramarta, A. (2018). Judicial Mafia in Criminal Justice System and Its Countermeasure. *Jurnal Hukum Novelty*, 9(2), 160-171.
65. Policy, G. C. o. D. (2020). ENFORCEMENT OF DRUG LAWS: REFOCUSING ON ORGANIZED CRIME ELITES.
66. Punch, M. (2000). Police corruption and its prevention. *European Journal on Criminal Policy and Research*, 8(3), 301-324.
67. Reiman, J., & Leighton, P. (2015). *Rich get richer and the poor get prison, the (subscription): Ideology, class, and criminal justice*: Routledge.
68. Robinson, M. (2021). The Death Penalty in North Carolina. Appalachian State University.
69. Sadeghi A, farajiha M, habibzade M, Omid J. (2017). Comparative study of the consequences of sentencing in drug crimes based on the quantity of drugs in the legislative system of Iran and the United States of America. *CLR* , 21 (1):81-104 (In Persian).
70. Sadeghi, A. (2017). Evidence Based Approach to Criminal Interventions in Drug Crimes in Iran, *Ph.D. Dissertation, Faculty of Law, Tarbiat Modares University (In Persian)*.
71. Samai, M (2016). Scapegoat: A reflection on execution in drug-related crimes (In Persian).
72. Schütte, S. A., Jennett, V., Messick, R. E., Albanese, J. S., Gramckow, H., & Hill, G. (2015). *Corruption risks in the criminal justice chain and tools for assessment*. U4 Issue.
73. Seigny, E. L., & Caulkins, J. P. (2004). Kingpins or mules: An analysis of drug offenders incarcerated in federal and state prisons. *Criminology & Public Policy*, 3(3), 401-434.
74. Singh, D. (2015). Explaining varieties of corruption in the Afghan Justice Sector. *Journal of Intervention and Statebuilding*, 9(2), 231-255.
75. Skolnick, J. H. (1967). Social control in the adversary system. *Journal of Conflict Resolution*, 11(1), 52-70.
76. Skolnick, J. H. (2005). Corruption and the blue code of silence. *Police corruption: An international perspective*, 301-316;
77. Spohn, C., Gruhl, J., & Welch, S. (1987). The impact of the ethnicity and gender of

-
- defendants on the decision to reject or dismiss felony charges. *Criminology*, 25(1), 175-192.
78. Starr, S. B. (2015). Estimating gender disparities in federal criminal cases. *American Law and Economics Review*, 17(1), 127-159.
79. Starystach, S., & Höly, K. (2021). *THE SILENCE OF ORGANIZATIONS*, Heidelberg University.
80. Tilley, J. (2014). *Social class and capital punishment: A theoretical and empirical analysis*. Eastern Kentucky University,
81. Unnever, J. D. (1982). Direct and organizational discrimination in the sentencing of drug offenders. *Social Problems*, 30(2), 212-225.
82. Vick, D. W. (1995). Poorhouse justice: Underfunded indigent defense services and arbitrary death sentences. *Buff. L. Rev.*, 43, 329.
83. Walker, S., Spohn, C., & DeLone, M. (2016). *The color of justice: Race, ethnicity, and crime in America*. Cengage Learning.
84. Wu, M. (2021). The Role of Lawyers in Judicial Corruption in China and Suggestions on how to Mitigate Judicial Corruption.
85. Yin, T. (2005). Can 'Death Row Phenomenon' Be Confined to Death Row Inmates? U Iowa Legal Studies Research Paper, 5-11.
86. Youngers, C. A. (2011). Drug Control Policy: What the United States Can Learn from Latin America. *Paper presented at the Latin American Studies Association, LASA Forum*, and XLII.